

رسالت رسانه‌ها؛ بیداری افکار عمومی

واکاوی آثار جنگال رسانه‌ای بر پرونده‌های قضایی



طرح: فاروق روحی | شهرآر

**آزادی روزنامه‌نگاران؛
عنصر مغفول در لایحه
آزادی مطبوعات**

بررسی لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها و طرح نظام رسانه‌ای

۱۱

**انحراف جریان دادرسی
در جنگال رسانه‌ها**

گفت‌وگوی اختصاصی شهرداد
با وکلای پرونده‌های جنگالی سه دهه اخیر کشور

۴

**آیا الیت
قانونی است؟**

الیت، از منظر حقوق شهرنشینی
در گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت ترافیک هوشمند

۱۲

نقش رسانه در احقاق حق



فرناز محمدیان
دبیر ماهنامه شهرآرا

از همان دوره که مطبوعات، رکن چهارم دموکراسی نام گرفت، از یک نهاد صرفاً مخبر به یک نهاد مؤثر و کارا بدل شد. رسانه‌های گروهی به عنوان متولیان اصلی اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم موظفانند رسالت خود را با رعایت مقررات مربوط بدون هیچ تداخلی در برنامه‌های عدالت کیفری به انجام رسانند. مطبوعات و رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پرونده‌های قضایی به خصوص پرونده‌های کیفری، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم‌اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را به پدیده‌ای خاص حساس کنند. سردبیران، دبیران سرویس‌های خبری و خبرنگاران روزنامه‌ها در تنظیم خبر و گزارش، با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال اطلاعات به مردم نقش مهمی در تعیین محدوده جرم دارند. به همین دلیل رسانه‌ها از یک سو توانایی تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم را دارند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه، می‌توانند بر کاهش وقوع جرم و تأمین احساس امنیت مؤثر باشند.

از خصوصیات یک دستگاه قضایی سالم، شفافیت است. دسترسی عموم به اطلاعات، پرونده‌ها، قوانین و مقررات و فرایندهای انضباطی در دستگاه قضا سبب افزایش شفافیت و راندمان این رويه می‌شود. با این هدف هر کسی باید در سطح قابل اعتمادی به اطلاعات دسترسی داشته باشد و اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها در سطح وسیعی منتشر شود.

اگر چه در ایران مطابق قانون، اصل بر علنی بودن محاکمات است، اما محدودیت‌هایی برای دسترسی به اطلاعات قضایی به‌ویژه در مورد دادگاه‌های کیفری وجود دارد. طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی، تمامی محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد بلا مانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی مصلحت نظام، عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. از آنجا که حضور در دادگاه برای همه فراهم نیست، اصل عدالت علنی ایجاب می‌کند به مطبوعات و نشریات تخصصی حقوقی اجازه داده شود به جای مردم حاضر شده و از آنچه در دادگاه می‌گذرد، گزارش بگیرند. البته برخی کشورها مخالف اصل عدالت علنی هستند و یک سری ملاحظات را در این مورد در نظر دارند. اصل محاکمه از سوی رسانه، خطر گزارش‌دهی همراه‌کننده و احتمال سوءاستفاده از مدارکی که هنوز صحت آن‌ها تأیید نشده از همین ملاحظات است. برای مثال، بر اساس اصل «محاکمه از سوی رسانه»، رسانه‌ها و مطبوعات ممکن است پیش از صدور حکم یا حتی پس از آن موجب تلقی مجرمیت یا برائت افراد در نزد عموم گردند.

فراموش نکنیم که رسانه‌های گروهی شمشیری دولبه هستند که هم کارکرد مثبت دارند و هم منفی. گاه در راستای احقاق حق گام برمی‌دارند و گاه حقوق افراد را تضییع می‌کنند و در راستای منافع خویش حرکت می‌کنند.

انعکاس حقیقت؛ از بازتاب تا انحراف



مرتضی دبیری
پژوهشگر مسائل اجتماعی

بررسی ابعاد مختلف پدیده خبررسانی و بازتاب آن از سوی رسانه‌های اجتماعی مسئله‌ای است که در چند سطح قابل بررسی است. در این یادداشت به وجوه گسترده تأثیر رسانه بر افکار عمومی پرداخته شده است. در این راستا به صورت مقدماتی به مصادیق این پدیده و پیامدهای آن پرداخته و سپس به اهمیت رسانه در بازتاب یا انحراف واقعیت‌های اجتماعی اشاره خواهد شد. افکار عمومی یک نیروی سیاسی است که در قانون اساسی هیچ کشوری پیش‌بینی نشده است، اما می‌تواند نقش بسزایی در مشروعیت بخشی یا کشاندن یک حکومت به ورطه سقوط ایفا کند. هر چند افکار عمومی از دیرباز مورد توجه حکومت‌ها و ملت‌ها بوده است، با به وجود آمدن رسانه‌ها به خصوص توسعه روزافزون آن‌ها نقطه عطفی در شکل‌گیری، بروز و ظهور و گسترش افکار عمومی ایجاد شد. طی سال‌های گذشته، رسانه‌های مجازی اهمیت ویژه‌ای در انتقال اخبار داشته و آثاری اساسی بر روند شکل‌گیری مطالبات عمومی داشته‌اند. فعالیت رسانه‌های مجازی در برخی منابع ناظر بر شفاف‌سازی و بازتاب واقعیت‌های اجتماعی بوده است. با این حال، ضعف رسانه‌های دیداری و شنیداری و مکتوب، عامل زمینه‌ساز رجوع بسیاری از کاربران به اخبار فضای مجازی بوده است. در اینجا شکافی اساسی میان منابع رسمی و غیررسمی خبررسانی شکل می‌گیرد. اولویت‌بندی اخبار، پرداختن به جزئیات وقایع، نبود شفاف‌سازی روند خبری و در نهایت تنزل اعتماد به منابع رسمی و داخلی سبب ارتقای جایگاه منابع

غیررسمی می‌شود. طبق آمار منتشر شده در سال اخیر، ایران ۵۸ میلیون کاربر فضای مجازی دارد. همچنین در ایران ۴۰ میلیون نفر از تلگرام استفاده می‌کنند. رتبه هفتم استفاده از اینستاگرام در دنیا نیز متعلق به ایران است. چنین موضوعی بیانگر رجوع فزاینده مخاطبان به اخبار غیررسمی است. حجم گسترده‌ای از مطالب تلگرام از کاربران توئیتری به اشتراک گذاشته می‌شود. همچنین در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، سلبریتی‌ها و صفحاتی مانند بی‌بی‌سی، میلیون‌ها کاربر ایرانی را در اختیار دارند. در برخی موارد عملکرد ضعیف رسانه‌های رسمی در کنار نبود شفافیت اخبار و عدم پوشش بسیاری از جوانب و رخدادها، عامل اصلی مرجعیت شبکه‌های مجازی بوده است. از پدیده‌های اصلی تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی، اهمیت بخشی به موضوعات مختلف است. به عنوان مثال، اگر چه پدیده افزایش مهاجرت نخبگان در چندسال اخیر موضوعی پراهمیت جلوه می‌کند، اما ترند اصلی شبکه‌های مجازی، رخدادهایی همچون مهاجرت سلبریتی‌هایی مانند رامبد جوان یا بیماری یک خواننده می‌شود. در واقع رسانه‌ها می‌توانند نقش اصلی در انحراف جریان فکری را ایفا کنند. پرداختن به پدیده‌های سطحی به رغم اهمیت رخدادهای دیگر، از خاصیت رسانه است. در سال‌های اخیر پرونده‌های فساد یکی از پایه‌های ثابت خبری در فضای رسانه‌ای بوده است. در اینجا تمایزی اساسی میان ماهیت پوشش خبری و حواشی آن وجود دارد. تمایزات میان رسانه‌های رسمی، صدواسیمای ملی و شبکه‌های مجازی اساسی است. در نهایت، رسانه‌ها در مواقع بسیاری، نقش انحراف‌ساز را ایفا کرده‌اند. نبود بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و پرداختن به کلیات وقایع از کاستی‌های نظام رسانه‌ای ایران بوده است. در حوزه سلامت نیز مسئله نبود شفافیت جدی در زمینه آگاهی‌بخشی به مردم وجود

دارد. به عنوان مثال، درباره بیماری‌هایی چون ایدز و اچ‌پی‌وی، فضای رسانه‌ای بسیار ضعیف عمل کرده و در مقابل، فضای رسانه‌ای به گفت‌وگوهای ناکارآمد و تکراری تلویزیونی اکتفا کرده است. علاوه بر این، در حوزه هنری هم فضای رسانه‌ای رسالت خود را انجام نداده است. دامن زدن به ابتذال و عدم آگاهی‌بخشی درباره ماهیت هنر از کاستی‌های فضای رسانه‌ای بوده است. در حوزه سیاسی اجتماعی نیز رسانه‌ها و خصوصاً رسانه ملی کمتر به حوزه شفافیت ورود پیدا کرده است. منظور از شفافیت، روشن کردن جوانب اصلی منافع موجود در جریان‌های مختلف است. نبود شفافیت در عمل به وعده‌های انتخاباتی، نظام ارزیابی عملکرد نهادها و پیاده‌سازی قوانین از مصادیق این موضوع بوده است. در حوزه آموزش، رسانه‌ها و فضای مجازی کمتر به شفافیت در این حوزه ورود کرده‌اند. به عنوان مثال چندی پیش از تخصیص ۳۰ میلیارد تومان به آموزش رایگان خبر داده شد. این موضوع در بردارنده نبود تحقق آموزش رایگان و پولی‌سازی آموزش بود. در اینجا نقش رسانه، شفافیت چنین پدیده‌ای بوده است. رسانه در مقابل با برجستگی این بودجه، نوعی انحراف اطلاعاتی را رقم زد. عدم به کارگیری نیروهای متخصص و متعدد، از عوامل تحقق نیافتن شفافیت و منحرف کردن افکار عمومی است. بر این اساس می‌توان گفت که امروزه نقش رسانه‌ها بر افکار عمومی بسیار جدی است. بنابراین یک رسانه باید به جای فراقکنی و جریحه‌دار کردن افکار عمومی، واقعیات را به دور از هرگونه جانب‌داری بیان کند، مخاطب را به فکر وادارد، محلی برای نقد و اظهار نظرهای دلسوزانه و عملی باشد و با درج مطالب آموزشی در بالابردن سطح علمی جامعه مؤثر باشد، واقعیات را به دور از هرگونه جانب‌داری بیان کند و به عنوان یک بازوی توانمند سیستمی در جامعه و در کنار نظام ایفای نقش کند.

تأثیر رسانه بر جریان پرونده‌های قضایی؛

«قصاص ریحانه و درسی که باز هم نگرفتیم...»



افشین عزیزی
کارشناسی ارشد حقوق
ارتباطات

نیمه‌های تیرماه ۱۳۸۶ بود که ریحانه جباری، دانشجوی جوان معماری، در نوزده‌سالگی به اتهام قتل مرتضی عبدالعلی سربندی چهل‌وهفت‌ساله بازداشت شد تا یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قتل تاریخ ایران رقم بخورد؛ پرونده‌ای که روند قضایی آن با بسته شدن دفتر عمر ریحانه، دومین و آخرین فرد احتمالی حاضر در صحنه وقوع قتل به پایان رسید تا سؤالات بی‌پاسخ فراوان این پرونده برای همیشه سر به مهر بمانند.

این پرونده جنجالی چندین سال جزو داغ‌ترین اخبار رسانه‌ها بود و نام ریحانه در محافل کوچک و بزرگ خصوصی شهروندان بر سر زبان‌ها بود؛ نامی همانند بسیاری از نام‌های دیگری نظیر دلارا دارابی، شهلا جاهد، بهنود شجاعی و دیگرانی که هر یک مدت‌ها تیتیر یک رسانه‌ها بودند و با فروکش کردن تب رسانه‌ای ماجرا، خبر اعدام آن‌ها نیز کم‌کم از زبان‌ها افتاد و چه بسا بسیاری از ما که روزی در موافقت یا مخالفت با قاتل بودن یا نبودن و شایسته به دار آویخته شدن یا نشدن هر یک از این افراد با آب و تاب فراوان سخن می‌گفتیم و همانند یکی از عزیزان خویش نگران سرانجام پرونده‌ها بودیم و پس از اعدامشان اشک می‌ریختیم، امروز دیگر نه تنها جزئیات پرونده‌ها که نام این افراد را نیز به یاد نمی‌آوریم؛ نام‌هایی که شاید ناخواسته در راه رفتن هر یک از آن‌ها به بالای چوبه‌دار سهیم و مقصر بوده‌ایم.

با رسانه‌های شدن جزئیات قتل در این پرونده‌ها، حساسیت افکار عمومی برانگیخته شد و با صدور حکم و نزدیک شدن به روز اجرای قصاص، دامنه این حساسیت و شیوه واکنش جامعه نسبت به صدور و اجرای حکم ابعاد تازه‌ای یافت؛ به نحوی که بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و جهانی حقوق بشر نیز در کنار شخصیت‌های برجسته داخلی و خارجی خواهان اجرائنشدن حکم و بخشش از سوی اولیای دم شدند. در این میان، بیشترین نمود بیرونی فعالیت‌ها برای اجرائنشدن حکم، مربوط به کاربران شبکه اجتماعی بود؛ کاربرانی که با غلیان احساساتشان بدون توجه به عواقب احتمالی سخنانشان و با چشم‌پوشی از اینکه فارغ از روند دادرسی و پذیرش یا عدم پذیرش حکم صادره، اینک کلید مرگ و زندگی متهمان در دستان الفاظ را نثار مقتول و خانواده‌اش می‌کردند. بخششی که در مواردی با رضایت ضمنی فرزند ارشد مقتول نیز همراه شد ولی نهایی نشد و توبیت‌ها و نظرات توهین‌آمیز کاربران

اینترنتی یکی از مهم‌ترین دلایل انصراف اولیای دم از اعلام رضایت و گذشت از قاتل عنوان شده بود. دور از ذهن نیست اگر هر یک از ما نیز جای فرزندان پدري بودیم که روزانه هزاران نفر او را با القابی نظیر هرزه و هوس‌ران و مواردی از این دست خطاب، و چه بسا رضایت ما را نیز نشانه پذیرش اتهامات وارده قلمداد می‌کردند، حاضر به بخشش نمی‌شدیم. بخش پنهان این ماجرا در نگاه کاربران شبکه‌های مجازی این بود که اشخاص مذکور نیز مانند ما انسان‌هایی هستند با اشتباهات و خطاهای انسانی که همه ما در معرض آن قرار داریم و هیچ‌یک نه فرشته‌اند و نه شیطان، اما در عمل کاربران با موضع‌گیری‌های خود هر یک را به دلیل گذشته یا اتفاقات روزهای آخر عمر، همچون شیطان یا فرشته‌ای می‌شناختند.

بی‌گمان پاسخ به ابهامات موجود در پرونده نیازمند رسیدگی دقیق و موشکافانه قضایی و اشراف به جزئیات پرونده و دانش خاص حقوقی است و تنها با تکیه بر آگاهی بر خاسته از مرور چند جمله یا صفحه از پرونده یا استناد به صحبت‌های طرفین ماجرا نمی‌توان به واقعیت پی برد. چه بسا حقوق دانان نیز با مطالعه آن بخش از جزئیات منتشر شده پرونده در رسانه‌ها که هر یک به فراخور موضع‌گیری و نگاه شخصی خویش نسبت به انتشار بخش‌هایی از پرونده اقدام کرده‌اند، برداشت‌های متفاوتی از پرونده داشته باشند. فارغ از اشتباهات احتمالی ارتکابی از سوی افرادی که امروز دیگر در این دنیا نیستند و مجالی نیز برای دفاع از خود ندارند باید نهبی به خود بزینم که امروز هستیم و چه بسا خشوند از اقدامات پیشین خود، هنوز هم در راهی می‌رویم که در ماجراهای پیشین رفتیم. به رغم اینکه حق داریم در صورت رسانه‌ای شدن پرونده‌هایی از این دست پیگیر تحقق عدالت یا جان انسان در معرض مرگ باشیم، باید این اصل بدیهی را نیز بپذیریم که حق قضاوت عجلولانه و از روی احساسات شخصی

را نداریم به‌ویژه زمانی که کنش ما ممکن است بر سرنوشت انسانی در آستانه مرگ تأثیرگذار باشد.

چه بسا اگر کنشگران مجازی به این باور می‌رسیدند که جان دیگران باز بیچه مخالف خوانی ما و احیاناً تسویه حساب‌های هیجانی نیست، شاهد رفتارهای عصبی و پر خاشگرانه کاربران نبودیم و ماجرای این پرونده‌ها پایانی متفاوت داشت و امروز ریحانه جباری نه نامی بر گوری که جوانی بود که با پشت سر گذاشتن گذشته دشوار خود، ورود به چهارمین دهه از زندگی‌اش را در کنار دوستان و خانواده‌اش جشن می‌گرفت و چشیدن طعم شیرین بخشش نیز نصیب خانواده سربندی می‌شد. همان‌گونه که بخشش در آخرین لحظه، به‌جز ریحانه، سهم تمامی افراد در صف اعدام سحرگاه سوم آبان‌ماه ۱۳۹۳ زندان رجائی شهر کرج شد.

بدون تردید اگر بخواهیم سرنوشتی مشابه برای ریحانه‌های دیگر رقم نخورد، ناگزیر از تغییر رویه در مواجهه با موضوعاتی این‌چنینی هستیم که حل و فصل آن‌ها از رهگذر فضای مجازی و همراه با واکنش‌های هیجانی و عصبی ناشی از خواندن چند سطر مقاله و مصاحبه‌های نشریات نمی‌گذرد. باید بیاموزیم و اجازه دهیم طرفین ماجرا در آرامش و به دور از جنجال و هیاهو به سازش و گذشت اقدام کنند نه آنکه به جای اطلاع‌رسانی، با رفتارهای غیرمسئولانه خود بازی را به گونه‌ای رقم بزینم تا همان‌گونه که در این پرونده نیز شاهد بودیم حتی با درخواست‌های مکرر و گاهی توأم با خواهش جمع‌کنشی از برجسته‌ترین اهالی هنر و فرهنگ جامعه از خانواده مقتول، رفتارهای توهین‌آمیز پیشین چنان کینه‌ای در دل اولیای دم بر جای بگذارد که راه برای همیشه به بازگشت یک جوان به زندگی بسته بود. عدم واکنش و قضاوت اخلاقی نسبت به رخدادهایی که اطلاعات کافی از آن‌ها نداریم یا حمایت از عفو و حتی تأکید بر بی‌گناهی متهم بدون توهین به مقتول و خانواده داغ‌دیده، درسی اخلاقی است که باید می‌گرفتیم و آن‌گونه که از رخداد‌های مختلف به‌نظر می‌رسد، هنوز نگرفته‌ایم. گواه درس نگرفتن ما را می‌توان در پرونده حمید صفت، خواننده جوان رپ، یافت که عده زیادی از هم‌وطنان با محق دانستن قاتل در ارتکاب به قتلی که چه بسا در محکمه با حکم قصاص نفس همراه می‌شد و لایق مرگ خواندن مقتول در سالی که گذشته و واکنش‌ها به قتل میترا استاد به دست محمدعلی نجفی، سیاست‌مدار نام‌آشنای کشورمان، یافت.

موارد مذکور حاکی از آن است که فعالان عرصه مجازی باز هم پا در مسیر پیشین می‌گذارند و امیدها به مصالحه و گذشت در این‌گونه پرونده‌ها را نیز کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌کنند.

مخاطبان همچنان مختار



محمدصادق طلوع
دکترای جامعه‌شناسی
فرهنگی

افکار عمومی، یا بهتر است بگوییم عقاید عمومی، همواره مدیریت می‌شود؛ نه یک مدیر بیت‌بیکار چه و متمرکز که برخی نظریه‌پردازان بدبین ادعا می‌کنند. اما واقعیت این است که در همه تاریخ، نظرات

و عقاید عده‌ای برای مردم جذاب‌تر و باورپذیرتر بوده است و به تعبیر میلز، همواره «عقیده‌گیران» بیشتر از «عقیده‌فرستان» بوده‌اند. پیامبران، مصلحان، بزرگان اندیشه و تمام کسانی که می‌توان آن‌ها را گروه‌های مرجع نامید، خواسته یا ناخواسته بر افکار عمومی مؤثرند و به نوعی آن را مدیریت می‌کنند.

تا پیش از ظهور رسانه‌های جمعی، این اثرگذاری به‌نسبت پراکنده و محلی بود. اما ظهور این محصولات مهم معادلات پیشین را برهم زد و به مدد روزنامه‌های فراگیر و بعد رادیو و تلویزیون، شاید برای اولین بار از این توانایی به‌عنوان یک ابزار یا سلاح استفاده کرد. نظریه‌های خوش‌بین این توانایی را مترادف با آگاهی‌بخشی، تنویر افکار عمومی، افزایش قدرت انتخاب مردم و ابزاری برای نظارت جامعه مدنی بر دولت و بازار می‌دانند. در مقابل، نظریه‌پردازانی هستند که رسانه‌ها را عاملی برای توده‌های شدن، کنترل و هدایت مردم به مسیرهای مورد نظر قدرت سیاسی و منافع طبقاتی می‌دانند. آن‌ها می‌گویند هر پیامی که رسانه منتشر می‌کند در خدمت منافع یک گروه مسلط و تثبیت آن در جامعه است و این ویژگی را در تمام صنایع فرهنگی می‌بینند؛ از پیام‌های تبلیغاتی گرفته تا سینما و روزنامه و آلبوم‌های موسیقی. رسانه‌های جدید در ظاهر در خدمت آزادی مردم و در عمل به انقیاد آن‌ها در نظام سرمایه‌داری کمک می‌کنند. مردم محکوم‌اند که خود را آزاد بیندارند.

برآمدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اندکی معادلات را برهم زد. عده‌ای شادمان از برهم خوردن مناسبات یک‌سویه قدرت و شکست هژمونی رسانه‌های کلاسیک بودند و اصطلاح «شبکه اجتماعی» را نیز در معنای مردمی بودن و گفت‌وگو جایی بود تا هر کسی پیام خود را به گوش هم‌نوعان برساند و در مورد دغدغه‌های مشترک سخن بگوید. اما به‌زودی مشخص شد این رسانه‌های جدید، انقلابی در ماهیت رسانه ایجاد نکردند بلکه تنها مناسبات قدرت را پیچیده‌تر کرده‌اند. تئوری‌های جدید می‌گویند ممکن است سردمداران رسانه‌های جدید عوض شده باشند، اما همان مناسبات قدرت این بار به نحوی پنهان‌تر وجود دارد و افکار و عقاید کاربران این رسانه‌ها نیز به نحوی در خدمت منافع گروه‌هایی خاص مدیریت می‌شوند.

پس تکلیف چیست؟ تصویری تاریک که می‌توان از رابطه رسانه‌ها و افکار عمومی ترسیم کرد باید به ترس یا طرد مخاطبان منجر شود؟ به نظر من، پاسخ منفی است. اکنون رسانه بیش از هر زمان دیگری در دسترس عموم است و به همان اندازه می‌توان امید داشت که ابزاری در جست‌وجوی آزادی باشد. رسانه‌های جدید به همان اندازه که محدودکننده‌اند، تسهیل‌کننده نیز هستند. اگر چه رسانه در همه شکل‌های خود قصد مدیریت افکار مخاطبان به نفع گروهی خاص را دارد، در نهایت این ما هستیم که تصمیم می‌گیریم محتوای رسانه را تنها محتوای هدایتگر موجود در نظر بگیریم یا آن را صرفاً یکی از محتواهای موجود و ترکیبی از رگه‌های حقیقت و منافع گروهی بدانیم. این ما هستیم که تصمیم می‌گیریم تحت نفوذ کامل یک رسانه قرار بگیریم یا همواره در مورد آن بازاندیشی کنیم. ما مخاطبان همچنان مختار هستیم.



انحراف جریان دادرسی در جنجال رسانه‌ها

گفت‌وگویی اختصاصی شهرداد با وکلای پرونده‌های جنجالی سه دهه اخیر کشور



فرناز محمدیان
کارشناسی ارشد حقوق
خصوصی

اخبار جنایی، حوادث و رخدادهای پلیسی از پر بیننده‌ترین اخبار صفحات یا محتوای شبکه‌های تصویری و شنیداری هستند و اصولاً مردم با ذهنی کنجکاو این اخبار را رصد می‌کنند. از کارکردهای اساسی رسانه، اطلاع‌رسانی از واقعیات جامعه است. با توجه به جذابیت ذاتی اخبار مربوط به حوادث و پرونده‌های قضایی و وجود فضای رقابتی میان رسانه‌ها در جذب مخاطب، حجم بیشتری از اخبار به این موضوعات اختصاص داده می‌شود.

روند بازنمایی رخدادها و حوادث در رسانه‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی مانند گزینشی بودن انتخاب جرایم، سطح پایین علمی گزارش‌ها و... است که همین رویکرد گزینشی موجب تمایز بازنمایی رسانه‌ای جرایم با واقعیت مجرمانه آن رویداد می‌شود. گاهی برخی خبرنگاران برای افزایش جذابیت گزارش‌های خود به جذابیت ذاتی وقایع اکتفا نمی‌کنند و می‌کوشند در گزارش‌های خود حکایتی داستانی گونه از رخدادها و وقایع ارائه دهند. آن‌ها برای افزایش جذابیت پدیده‌های مجرمانه از روش‌هایی مانند انتخاب صفات دلپره آور مثل «خفاش شب»، «عقرب سیاه» و «کفتار شهر» برای پرونده‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند تا بر میزان ارزش خبری آن بیفزایند. اقدام دیگر برخی خبرنگاران، بازتاب ندادن کامل واقعه خبری است. برای مثال، از آوردن هر گونه اصطلاحات حقوقی که موجب پیچیدگی متن شود خودداری می‌کنند و به این ترتیب، خبر فاقد جنبه‌های علمی و کارشناسی می‌شود. ایدئولوژی حاکم بر رسانه عامل دیگری است که بر گزارش خبرنگار و تفسیر و نحوه بازتاب وقایع مجرمانه تأثیر گذار است.



پیامدهای بازنمایی رسانه‌ای جرایم

یکی از پیامدهای انتشار چنین اخباری، افزایش نتایج جرم به خصوص ترس از ارتکاب جرم در جامعه است. تأثیر بازنمایی رسانه‌ای در این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که خبرنگاران با توجه به ارزش خبری بالای جرایم خشونت‌آمیز و جنسی سهم زیادی از اخبار رسانه‌ای را به این جرایم اختصاص دهند. این نوع جرایم به دلیل اینکه خطر ناشی از آن برای تمام افراد جامعه ملموس است تأثیر قابل توجهی بر افکار اقبال مختلف دارد.

علاوه بر این، بازنمایی پدیده‌های مجرمانه در پوشش اخبار رسانه‌ای موجب می‌شود افراد مستعد ارتکاب جرم شیوه‌های ارتکاب را فرا بگیرند و با الگوبرداری از محتوای مجرمانه منتشر شده در برخی رسانه‌ها مرتکب جرم شوند. همچنین، بازتاب این کنش در جرایمی که ارتکاب آن‌ها دارای قبح اجتماعی بالایی است، موجب از بین رفتن قبح اجتماعی عمل و در درازمدت سبب از دست دادن پشتوانه اجتماعی در برخورد با جرایم می‌شود.

پوشش گسترده جرایم خشونت‌آمیز و جنسی در رسانه‌ها و فقدان جنبه کارشناسی و داستان‌وار بودن متن این گزارش‌ها سبب می‌شود مردم عادی با توجه به نداشتن اطلاعات کافی در خصوص معیارهای تعیین میزان مجازات و ناتوانی تفکیک بین مجازات قانونی و قضایی به تعیین مجازات‌هایی مانند اعدام و حبس - که درجه تنبیهی بالایی دارد - گرایش داشته باشند. در مرحله اجرای مجازات نیز تأثیر گذاری بازنمایی رسانه‌ای جرم در قالب اجرای علنی مجازات‌ها مانند اعدام قاتل میدان کاج سعادت‌آباد، محکومان واقعه خمینی شهر اصفهان، بیجه، خفاش شب و قاتل روح...

داداشی در سالیان گذشته نمود پیدا کرده است. فراموش نکنیم که افکار عمومی بر اساس بازنمایی رسانه‌ای جرایم و منطبق با الگوهای حاکم بر آن شکل می‌گیرد. این مسئله موجب می‌شود جامعه، متهم را موجودی غیر انسانی بداند و شدیدترین واکنش‌ها را علیه آن تقاضا کند. از طرفی با توجه به فقدان جنبه علمی و کارشناسی در تحلیل این اخبار، افراد جامعه و رسانه‌های خبری مسئولان عدالت کیفری را در اتخاذ تدابیر تحت فشار قرار می‌دهند. بروز این اقدامات در مرحله رسیدگی ممکن است موجب نقض معیارهای دادرسی عادلانه مانند استقلال و بی‌طرفی دادگاه، رعایت مقتضیات اصل برائت، داشتن زمان و امکانات کافی برای دفاع و نقض حریم خصوصی طرفین شود. این رویه در مرحله تعیین مجازات نیز اثر گذار است زیرا مقامات عدالت کیفری در پیروی از افکار عمومی تلاش می‌کنند از مجازات‌های تنبیهی، افزایش میزان مجازات و اجرای علنی مجازات استفاده کنند و سیاست‌هایی را در پیش بگیرند که با انتظارات مردم هم‌خوانی بیشتری دارد. برای مثال، در پرونده قتل میدان کاج سعادت‌آباد تهران به‌وضوح حق دفاع متهم تضییع شد به طوری که وکلای متهم در اظهارات خود اعلام کردند که پرونده را مطالعه نکرده و تقاضای مهلت کرده‌اند که با مخالفت قاضی دادگاه مواجه شد. همچنین بر اساس اظهارات وکلای متهم، مراجعه به کارشناس و نظر پزشکی قانونی ضرور بود اما دادگاه بدون ترتیب اثر دادن به این درخواست‌ها مبادرت به صدور رأی کرد. با توجه به اینکه دیدگاه‌های مردم غالباً فاقد جنبه کارشناسی و علمی است، در مواردی با معیارهای دادرسی عادلانه در تضاد قرار می‌گیرد. فقدان استقلال دادگاه‌ها و قضات در چنین پرونده‌هایی ممکن

است به خروج قضات از موضع بی‌طرفی و اظهار نظر و یا اتخاذ تصمیم به طور جانب‌دارانه و به دور از شان قاضی دادگاه بینجامد. تهیه این گزارش‌ها از پرونده پیامدهای متعددی دارد که بسته به مرحله روند رسیدگی متفاوت است. در مرحله دادسرا با توجه به لزوم محرمانه بودن تحقیقات، ممکن است به تأخیر در دستگیری مجرم منجر شود. یکی از اصول دیگر دادرسی عادلانه که در بازنمایی رسانه‌ای جرایم نقض می‌شود، اصل برائت است. رعایت اصل برائت اقتضا می‌کند مشخصات متهمی که هنوز مجرمیت او در دادگاه ثابت نشده است منتشر نشود. با وجود این، در گزارش‌های رسانه‌ای از وقوع جرایم شاهد اشاره به مشخصاتی مانند نام، نام خانوادگی، شغل و منصب و حتی گاهی اوقات تصاویر متهمین هستیم و به دفعات شاهد نقض حریم خصوصی افراد و درج این جزئیات در رسانه‌ها بوده‌ایم.

بازتاب رسانه‌ای برخی پرونده‌ها در اصلاح و تشدید قوانین نیز مؤثر بوده است. برای مثال، هم‌زمانی تصویب قوانین کیفری با حوادث جنایی را می‌توان در «طرح اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند» مشاهده کرد. این قانون در واکنش به احساسات جریحه‌دار مردم پس از تکثیر و توزیع سی‌دی حاوی تصاویر مستهجن هنرپیشه‌ای جوان تصویب شد. اصلاح قانون مزبور بدون اینکه کمترین مخالفتی با آن از سوی کارشناسان مربوط به عمل آید، در فضای احساسی صورت گرفت. ماجرای قتل‌های موسوم به «پل مدیریت» و «قتل قوی‌ترین مرد ایران در کرج» سبب تصویب یک فوریت «طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار» شد. تشکیل «کمیته مبارزه

با مفساد اقتصادی» در سطح رؤسای قوای سه‌گانه و وضع قوانین و مقررات جدید با هدف تعریف مفساد اقتصادی و جرم‌انگاری مصادیق آن در نتیجه بازتاب سوءاستفاده از قدرت و جرایم ارتكابی «آقازاده‌ها» و بعضی دولتمردان یا پرونده‌های کلان مفساد اقتصادی محقق شد. البته اصلاح و تصویب برخی از این قوانین در فضای احساسی و بدون اعمال نظر از سوی کارشناسان صورت گرفت. به عبارت دیگر فضای ایجاد شده بر اثر بازتاب رسانه‌ای این حوادث به اندازه‌ای بود که هر گونه نقد سازنده را برای جلوگیری از تصویب قوانین مزبور سلب می‌کرد. شاید برخی از پرونده‌های جنجالی ۳ دهه اخیر کشور مانند پرونده خفاش شب، محمد بیجه، بنیتا، ستایش، آتنا، شهلا جاهد، کبری رحمان پور، ریحانه جباری، اعظم، جنایت خیابان گاندی، خون‌های آلوده، بابک زنجانی، محمدعلی نجفی و... را به خاطر بیاورید. نظر وکلای برخی از این پرونده‌های جنجالی را درباره تأثیر عملکرد رسانه و افکار عمومی بر رسیدگی دستگاه قضایی جویا شدیم که در ادامه آمده است.

پرونده خون‌های آلوده در رسانه‌ها

سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ فراورده‌های خونی آلوده به ویروس HIV از فرانسه به ایران وارد شد. این فراورده‌ها در ایران در اختیار بیماران مبتلا به هموفیلی قرار گرفت و آن‌ها به ایدز و بعضاً هپاتیت مبتلا شدند. رسیدگی به این پرونده از





از حقایق - و نه همه حقایق - را در حدی که مناسب جامعه است با نظر مقامات منتشر کنند. وی ادامه می‌دهد: لذا با توجه به وقوع جنایت گسترده در پرونده بیجه، تصور می‌کنم حتی اگر پرونده رسانه‌ای نمی‌شد، همین حکم سنگین در مورد وی اجرا می‌شد؛ زیرا دستگاه قضا منتظر قضاوت و برخورد مردم نیست. البته شاید نظر مردم در صدور رأی تأثیرگذار بوده باشد اما به طور کلی نباید صرفاً به خواست عمومی توجه شود دستگاه قضا مدعی العموم است و مردم را حمایت می‌کند اما گوش به فرمان رسانه نیست. این وکیل اظهار می‌کند: از خبرنگاران انتظار می‌رود در انتشار مسائل حقوقی دقت نظر داشته باشند، تا حدودی با قوانین آشنا باشند و به قوانین توجه کنند تا مطلبی مغایر با قانون انتشار ندهند.

وکیل پرونده‌های جنجالی

نام عبدالصمد خرمشاهی را در بسیاری از پرونده‌های جنجالی شنیده‌ایم. شهلا جاهد همسر موقت ناصر محمدخانی بود که به دلیل قتل لاله سحر خیزان، همسر دائم محمدخانی، در سال ۱۳۸۱ به قصاص محکوم شد و سال ۱۳۸۹ در زندان اوین به دار آویخته شد. ریحانه جباری، دختر جوانی که سال ۱۳۸۶ و در سن نوزده سالگی به جرم قتل شخصی بازداشت و محاکمه شد، حکم او در سال ۱۳۹۳ اجرا شد. افسانه نوروزی نیز کسی بود که سال ۱۳۷۶ در دفاع از عفت خود و به دلیل ارتکاب قتل فردی



ایران شناخته شد. فریده غیرت که وکالت شاکیان این پرونده را عهده‌دار بود، در مورد تأثیر رسانه بر افکار عمومی اظهار می‌کند: مطبوعات نقش بسیار مهم و حساس تنویر افکار عمومی را در جامعه دارند. اهمیت مطبوعات به دلیل ارشاد و آگاه‌سازی مردم است. لذا اگر مطبوعات به این وظیفه مهم عمل نکنند یا مسائل را وارونه به مردم القا کنند، به جامعه خیانت کرده‌اند. در طول سال‌های گذشته بارها شاهد بوده‌ایم که خبری جنجالی منتشر شده و حساسیت مردم را تحریک کرده اما بعد از رسیدگی دستگاه قضا در یافته‌ایم که اخبار پرونده مذکور خلاف واقعیت تنظیم شده است و برخی مطبوعات ناآگاهانه یا مغرضانه اخبار غیرواقعی را جلوه داده‌اند.

وی اضافه می‌کند: پرونده بیجه پرونده خاصی بود که اخلاق عمومی را شدیداً جریحه‌دار کرده بود. در این پرونده نحوه خبررسانی بسیار حساس بود تا به احساس مردم آسیبی وارد نشود. از سوی دیگر یک سری مسائل در این گونه پرونده‌ها وجود دارد که نباید به اطلاع عموم برسد زیرا باعث تحریک و ایجاد آشوب می‌شود. انتشار اخبار در مورد پرونده بیجه در زمان رسیدگی به خوبی توانست احساسات عمومی را تحریک کند هر چند که در همان دوران نیز برخی جرایم کم‌کاری کردند و برخی دیگر بیش از حد به این مسئله پرداختند.

غیرت با تأکید به اینکه انتشار اخبار پرونده‌های اقتصادی و ... خوب است اما باید از مبالغه آن‌ها پرهیز شود می‌گوید: برای مثال، از زمان تشکیل پرونده محمدعلی نجفی، اقوال و مطالب مختلفی در جرایم طرح شد. این شاخ و برگ دادن اضافه زینبند نیست. رسانه‌ها با توجه به دستور کار قوه قضائیه باید از افراط خودداری کنند و تنها بخشی

رسیدگی کردند، مطبوعاتی شدن به رأی آسیب نزد اما بعدها سبب شد میان مردم پراکندگی ایجاد شود می‌افزاید: هر چند جنجال‌هایی که به راه افتاد، به خود من آسیب زد اما به طور کلی در این پرونده مطبوعاتی شدن به صدور رأی کمک کرد. حتی می‌توان ادعا کرد با رفتن مطبوعات و پیگیری نکردن آنان در مراحل بعدی، رسیدگی‌ها آن گونه که باید صورت نگرفت. هر چند تأثیر رسانه و مطبوعات بر این پرونده خوب بود، می‌توانست اتفاقات بهتری را رقم بزند، مثلاً بهتر بود به جای پرداختن به مسائل حاشیه‌ای مثل میزان حق الوکاله، به بازتاب اجتماعی پرونده یا پرسرقتی که در صدور رأی بعدی در خصوص خسارت‌های معنوی حاصل شد اشاره می‌شد.

وی تأکید می‌کند: انتظارم از خبرنگاران این است که از تیترو و جنجال فاصله بگیرند و دقیق‌تر به واکاوی مسائل بپردازند. رسانه‌ها باید وارد واقعیت مسائل حقوقی شوند و ساده‌انه ساده‌انگارانه - تلاش کنند جنبه‌های اجتماعی پرونده را طرح کنند و مردم را در جریان مسائل قرار دهند.

جنایت فراموش نشدنی پاکدشت

محمدبسیجه معروف به «بیجه» متهم اصلی جنایات پاکدشت بود. او به تجاوز و قتل ۱۷ کودک و ۳ بزرگسال اعتراف کرد. ماجرای قتل کودکان در اطراف تهران بزرگ‌ترین پرونده جنایی ۷۱ سال اخیر در



سال ۷۳ از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و از سال ۱۳۷۶ از سوی مراجع قضایی آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. این پرونده بیش از ۳۵۰۰ شاکی و زیان دیده داشته است و دارد که نتیجه پرونده برخی از آنان هنوز مشخص نشده است. حواشی مربوط به میزان حق الوکاله دریافتی وکیل پرونده تا اندازه‌ای رسانه‌ای شد که به موضوع پرونده آن چنان که باید پرداخته نشد. علی صابری در مورد رسانه‌ای شدن پرونده‌ها بیان می‌کند: اگر پرونده‌ها به نحو درستی مطبوعاتی شوند، اتفاق بسیار مثبتی رقم می‌خورد اما باید میان مطبوعاتی شدن و جنجالی کردن پرونده‌ها تفاوت قائل شویم. در بسیاری از پرونده‌ها، اطلاع‌رسانی‌های صحیح سبب آشکار شدن زوایای پنهان مسئله شده است اما جنجالی شدن پرونده‌ها رسیدگی را از مسیر عادلانه منحرف می‌کند. صفحه حوادث مخاطبان خاص خود را دارد. لذا این صفحات باید به گونه‌ای باشند که با آموزش همراه شود. تربیت مطبوعات نکته بسیار مهمی است. منظور از تربیت مطبوعات، لزوماً دانشگاهی شدن نیست بلکه باید با رعایت حدود مرزها و در نظر داشتن حریم خصوصی اشخاص باشد.

او می‌گوید: خبرنگاران باید به سراغ افراد متخصص بروند و اخبار را از آنان جویا شوند. فارغ از اینکه مطبوعاتی شدن یک پرونده را خوب یا بد ارزیابی کنیم، وجود مطبوعات آزاد لازمه یک کشور توسعه یافته است. مطبوعات یکی از مکمل‌های توسعه تلقی می‌شود و نباید ضرورت وجود آن را انکار کرد اما اینکه چه مطبوعاتی باشند و چه خوراکی را به جامعه منتقل کنند مسئله مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد. صابری با بیان اینکه در پرونده خون‌های آلوده تا زمانی که قاضی نصیرایی و قاضی امرایی فر



مجرم شناخته شد و در نهایت آزاد شد. کبری رحمان پور، تازه عروسی که مادرشوهر خود را به قتل رسانده بود و پس از ۱۳ سال حبس آزاد شد. دل آرا دارابی، دختر هفده ساله‌ای بود که سال ۸۲ قتل یکی از بستگانش را گردن گرفت. بعدها اقرار خود را انکار کرد و علاقه به دوست پسرش را علت اقرار خود اعلام کرد. او تصور می‌کرد به دلیل کم بودن سن مجازات نخواهد شد اما در نهایت سال ۸۸ اعدام شد.

خرمشاهی در مورد تأثیر رسانه و افکار عمومی بر پرونده‌هایش می‌گوید: در ارتباط با تأثیر رسانه‌ها بر جریان محاکمات و دادرسی نظرات مختلفی ابراز شده است. به زعم من چند نکته را در این باره باید مد نظر قرار داد. در وهله نخست، باید بدانیم قاضی فرد مستقلی است که باید به دور از حواشی پرونده و با عنایت به دلایلی که در کیفرخواست صادر شده است به پرونده رسیدگی و به صورت مستقل اظهار نظر کند. اصل بر استقلال قاضی است. آرای قاضی باید مبتنی بر ادله کافی، مستندات قانونی و حقوقی باشد و در موجی که افکار عمومی یا رسانه‌ها ایجاد می‌کنند گرفتار نشود. نکته دوم آن است که مطبوعات و رسانه‌ها رسالت آگاه‌سازی و انتقال اخبار صحیح به مردم را دارند. آنان باید فارغ از اینکه بخواهند متهمی را که هنوز تحقیقات در مورد او ادامه دارد قضاوت کنند، صرفاً آنچه در محاکم می‌گذرد منعکس کنند.

وی می‌افزاید: متأسفانه در پرونده شهلا جاهد قبل از تشکیل دادگاه و در مراحل مقدماتی، در مورد او حکم صادر و او را گناهکار قلمداد کردند اما بعداً نظرشان تغییر کرد. رسالت مطبوعات این است که اتفاقات را بدون کم و کاست یا بزرگ‌نمایی به مردم انتقال دهند. معمولاً پرونده‌ها دارای زوایای حقوقی است که از منظر قانونی قابل بررسی است و غیر از حقوق دانان باتجربه و کارشناسان متخصص، اظهار نظر حقوقی یا قضایی در خصوص مسائل پرونده ناصواب است. خبرنگار می‌تواند نظر شخصی خود را اعلام کند اما در مسائل تخصصی حق ندارد افکار عمومی را علیه یا له فردی تحریک کند. اگر رسانه نقش خود را به درستی ایفا کند، همانند چراغی است که زوایای تاریک پرونده را روشن می‌کند و دقت عمل را بالا می‌برد. متأسفانه در برخی پرونده‌ها، توجه به حواشی و جنجال‌سازی سبب انحراف جریان دادرسی از مسیر عادلانه می‌شود.

او با اشاره به اینکه اگر بخواهیم عادلانه قضاوت کنیم، تأثیر مثبت مطبوعات بر پرونده‌ها از عملکرد منفی آنان بیشتر است می‌گوید: مثلاً در پرونده افسانه نوری مسئله دفاع مشروع مطرح شد و از محقق بیرون آمد؛ مطبوعات موضوع پرونده و نگرانی بانوان را منعکس کردند تا جایی که وقتی پرونده ۲ بار به دیوان رفت و زمان اجرای حکم رسید، جامعه تحت تأثیر انعکاس مطالب راجع به دفاع مشروع بود و ریاست قوه قضائیه وقت، هنگام سفر به خارج از کشور با واکنش خبرنگاران خارجی مواجه شد و دستور بازبینی پرونده را داد و در نهایت حکم برائت افسانه صادر و پس از ۸ سال از زندان آزاد شد. در پرونده کبری رحمان پور هم این اتفاق افتاد. از سوی دیگر، در پرونده‌های ریحانه جباری و دل آرا

دارایی دخالت بیش از حد رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های خارجی، سبب نادیده گرفتن برخی مسائل شد و در نهایت به قصاص این نفر انجامید. انتظاری که از خبرنگاران می‌رود این است که خبرنگاران حوزه حوادث دانش آموخته حقوق باشند یا اطلاعات نسبی از قوانین داشته باشند زیرا گاهی نبود تخصص سبب ارائه اشتباه مستندات قانونی می‌شود که بدآموزی دارد. اگر انعکاس اخبار موجب تنویر افکار عمومی شود، نقش مثبتی در جریان محاکمات خواهد داشت.

شکجه‌های اعظم



اعظم زن سی ساله‌ای بود که مورد خشونت‌های وحشتناک همسر معتادش قرار گرفته بود. دو دختر هشت و پنج ساله او نیز مورد خشونت پدر قرار گرفته بودند. انتشار اخبار مربوط به این خانواده سبب شد دادستانی به طور جدی به قضیه ورود کند.

مرضیه محبی، وکیل این پرونده، به نقش رسانه‌ها در انتشار اخبار مرتبط با این حادثه اشاره و بیان می‌کند: امروز رسانه‌ها کانون فعال مدیریت اطلاعات و بازنمایی آن بر اساس مصلحت کانون‌های قدرت هستند. در واقع رسانه افکار عمومی را شکل می‌دهد، هدایت می‌کند و برای اهداف سیاسی و اقتصادی

صاحبانش مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. از این رو اساساً عملکرد رسانه در زمینه جرایم نیز از نوع سیاست‌گذاری کیفری یک اجتماع، خواه ناخواه تابعی از ایدئولوژی حاکم است و نمی‌توان قائل به وجود رسانه مستقل بی‌طرفی شد که هدف آن صرفاً اطلاع‌رسانی باشد. در مورد جرایم خشن شیوه انتشار خبر، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی ابعاد و جوانب آن، انتخاب زمان پخش خبر و ... جملگی جلوه‌ای از سیاست‌گذاری رسانه‌ای است. مثلاً با نگاه مردسالار مبتنی بر فرودست‌انگاری زنان، گزارش یک خبر راجع به خشونت علیه زنان به سرزنش بزه‌دیده، برشمردن درجه مشارکت او در وقوع بزه و خفیف کردن جرم و جانب‌داری پنهان از مجرم منجر می‌شود. به عبارتی رفتار مجرمانه بسته به هنجارهای فکری اصحاب رسانه، رنگ و لعاب تازه می‌گیرد.

وی می‌افزاید: انتشار اخبار جرایم خشن و جنسی گاه باعث نقصان اعتماد اجتماعی، ایجاد جو رعب و وحشت، فشار بر زنان و کودکان و محدودیت فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود و بر کل جامعه اثر می‌گذارد. در مقابل گاهی همین مسئله باعث پیشگیری از وقوع جرایم مشابه، هوشیاری پلیس و ایجاد وضعیت دفاعی می‌شود که می‌تواند پیشگیرانه باشد و از وقوع دوباره جرم جلوگیری کند. اما به طور کلی انتشار گسترده جرایم خشن به خصوص جرایم جنسی، تهییج افکار عمومی، فراخواندن توده مردم به صحنه قضاوت و ایجاد کینه

و عداوت آن‌ها، مانع اجرای عدالت در حق مجرمان شده و دست دستگاه قضا را برای موضع‌گیری متناسب با عمل مجرمانه می‌بندد و باعث می‌شود عوام به شکلی نادیدنی، اختیار کنترل چرخه عدالت را از طریق رسانه‌ها به دست گیرند. از سوی دیگر ممکن است با شکل گرفتن شخصیتی جذاب از مجرم به قهرمان‌سازی بپردازند، الگوی اخلاقی بسازند و باعث گسترش وقوع جرم می‌شوند. وی بیان می‌کند: از این رو به نظر می‌رسد رسانه‌ای کردن جرایم - که خود نوعی مهندسی افکار عمومی است - بر پیشگیری، اشاعه جرم و حتی هنجارسازی اجتماعی مؤثر باشد و شاخص‌های اعتماد را جابه‌جا می‌کند. برای مثال، وقتی یک توفان رسانه‌ای برای گزارش یک جرم خشن جنسی یا مالی شکل می‌گیرد، جامعه دچار رعب و وحشت می‌شود، اعتماد زائل می‌گردد، روابط میان اشخاص خدشه‌دار می‌شود و در نهایت با گسست ارتباط‌های سالم و ضرور انسان‌ها زمینه اجتماعی ظهور رفتارهای مجرمانه فراهم می‌شود.

محبی تصریح می‌کند: رسانه باید در صدد ارائه گزارش‌های واقعی باشد و فارغ از موضع‌گیری و قضاوت، به رسالت خود یعنی انتشار آزادانه و سالم اطلاعات بپردازد. بنا به گفته‌ای، رسانه پیام است در اذهان، اندیشه‌ها و تاریخ که اثر می‌کند و ضبط می‌شود. پس با بازنمایی خلاف واقع نمی‌توان مدعی اجرای رسالت تاریخی رسانه شد.



تلخ‌ترین حادثه سال ۹۶



بنیتا، کودکی که هشت ماهه‌ای که تابستان ۹۶ در حالی که در خودرو پدرش بود ربه شده و جسد او پس از ۶ روز پیدا شد. علت مرگ او گرسنگی و تشنگی بود که در نهایت کودک از شدت گرما جان داد. حکم قصاص قاتل بنیتا سال گذشته اجرا شد.

اسماعیل سلیمانی و کیل متهمان پرونده بنیتا در مورد تأثیر رسانه بر مسیر رسیدگی قضایی می‌گوید: تأثیر عملکرد رسانه در صورتی که سبب دقت در تحقیقات برای کشف حقیقت و تسریع در رسیدگی شود کاملاً مثبت است اما این موضوع از ۲ جهت قابل بررسی است: نخست، تأثیر رسانه بر پرونده‌هایی است که اذهان عمومی را خدشه‌دار می‌کند مانند قتل دختر بچه و ... که در این موارد رسانه‌های شدن قطعاً به نفع اولیای دم خواهد بود و حساسیت ایجاد شده سبب زودتر طی شدن تحقیقات مقدماتی در دادسرا، صدور حکم در دادگاه، تأیید در دیوان عالی کشور و اجرای آن خواهد شد. دوم، تأثیر رسانه بر پرونده از نقطه نظر شخص یا اشخاصی است که در مظان اتهام قرار دارند. در این موارد رسانه‌های شدن برای متهمان ناخوشایند خواهد بود زیرا تسریع در این روند -گاهی زمان رسیدگی

به پرونده یک‌دهم پرونده مشابه خواهد بود- باعث تضییع حقوق آنان خواهد شد و روند تحقیقات مقدماتی در دادسرا کامل صورت نمی‌گیرد و امکان دارد حقیقت به درستی کشف نشود زیرا در این موارد دستگاه قضا به دنبال راضی شدن شاکی یا شکات و حتی جامعه است و خود را قائم مقام آنان می‌داند تا سریع‌تر دادرسی عادلانه را ترتیب دهد. وی ادامه می‌دهد: به طور مثال رسیدگی به پرونده‌ای با اتهام قتل عمد معمولاً بیش از چند سال در دادسرا، بیش از یک سال در دادگاه کیفری یک، بالغ بر ۲ سال در دیوان عالی کشور و در نهایت چند سال هم در اجرا به طول می‌انجامد تا اجرای حکم (قصاص) صورت گیرد اما اگر همین پرونده رسانه‌ای شود، دیگر سیر عادی را طی نخواهد کرد و همه فرایندها مذکور در کمتر از ۸ ماه اجرایی خواهد شد. لذا طبیعتاً رسانه‌ای شدن چنین پرونده‌هایی به نفع شاکی و به زیان متهم خواهد بود زیرا بسیاری از پرونده‌های قتل عمد با گذشت زمان از وقوع قتل و با واسطه‌گری و سرد شدن خون و خاک متوفی به رضایت اولیای دم منجر خواهد شد اما تسریع در رسیدگی باعث می‌شود این مهم اتفاق نیفتد و اولیای دم تحت تأثیر افکار عمومی قرار گیرند. به نظر من این تسریع رسیدگی جز با رسانه‌ای شدن محقق نمی‌شود. تأثیر عملکرد رسانه در خصوص پرونده‌های حقوقی بدون در نظر گرفتن طرفین دعوی مثبت خواهد بود زیرا تمامی قوانین شکلی و ماهیتی آیین دادرسی مدنی رعایت می‌شود و دستگاه قضا در پی تسریع روند رسیدگی، عدم تضییع حقوق طرفین است و قضات تلاش می‌کنند دقت عمل بیشتری داشته باشند. اتفاقاً رسانه‌ای شدن در این گونه پرونده‌ها، برخورد دادگاه با طرفین، و کلا و حتی متهم نیز متفاوت و بهتر خواهد بود.

سلیمانی با تأکید به اینکه بدون شک رسانه‌ای شدن پرونده در رأی دادگاه تأثیرگذار خواهد بود بیان می‌کند: البته منظور از تأثیر گذاری، متفاوت بودن رأی نیست زیرا اقصای چندین مرتبه پرونده را مطالعه و تلاش می‌کنند رأی بدون شبهه‌ای صادر کنند تا ایراد قانونی نداشته باشد. لذا اتفاقاً به دلیل رسانه‌ای شدن، اشتباهات شکلی و ماهیتی که به کرات در دادنامه‌ها مشاهده می‌شود، در این گونه دادنامه‌ها وجود ندارد زیرا قاضی صادرکننده دادنامه می‌داند که رأی او نه تنها از سوی طرفین و وکلای آن‌ها بلکه از سوی اکثریت مردم و حقوق دانان بررسی خواهد شد.

بازداشت خواننده رپ به جرم قتل همسر مادر

حمید صفت، خواننده رپ، به جرم قتل همسر مادرش بازداشت شد. بعد از تحقیقات علت اصلی مرگ، سابقه بیماری مرحوم



تشخیص داده شد و قصاص منتفی شد. عسگر قاسمی به تأثیر دوگانه رسانه‌ها تأکید و اظهار می‌کند: تأثیر رشد روزافزون رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی بر پرونده‌های قضایی به خصوص پرونده‌های کیفری قابل انکار نیست.

رسانه به مثابه شمشیر دولبه‌ای است که دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی است. برای مثال، تأثیر مثبت رسانه در رسوایی واترگیت (پرونده‌ای مربوط به افشاگری فعالیت‌های جاسوسی طی سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۲ در ایالات متحده آمریکا) به وضوح مشاهده شد. در این پرونده اصحاب رسانه سبب افشاگری و انتشار جزئیات این رسوایی (نصب شنود از سوی مأموران افبی‌آی در هتل واترگیت) شدند. به طور کلی، نقش مثبت رسانه در رساندن صدای بزه‌دیدگان، مال‌باختگان و دادباختگان به گوش مقامات عالی است تا مسئولان بتوانند با حساسیت بیشتری به قضیه رسیدگی و احقاق حق کنند. صدور دستور ویژه برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی باعث دلگرمی افراد جامعه می‌شود. شاید اگر پرونده‌های خاص مطبوعاتی نشوند، سرنوشت دیگری را تجربه کنند. رسانه‌ها معمولاً به انحرافات اجتماعی، زمین‌خواری، جرایم علیه محیط زیست و حیوانات، حیف و میل اموال دولتی، سوءاستفاده از قدرت، رانت‌خواری، قتل، تجاوز، خشونت علیه کودکان و ... می‌پردازند که بدون شک اگر رسانه‌ها در انتشار این موضوعات مداخله نکنند، ممکن است برخی از این جرایم کشف نشود. انتشار این اخبار و گزارش‌ها باید به افزایش سطح آگاهی شهروندان بینجامد.

وی می‌گوید: برای برخی مردم، پیگیری اخبار حوادث جنایی جذابیت ذاتی دارد. لذا پردازش رسانه به این مسائل باید به گونه‌ای باشد که به بدآموزی در جامعه منجر نشود، استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی را سلب نکند، شیوه ارتکاب جرم را آموزش ندهد و حقوق دفاعی متهم را تحت تأثیر قرار ندهد. با اعلام و انتشار مشخصات و تصاویر متهم، اصل برائت زیر سؤال می‌رود. رسانه‌ای شدن در برخی موارد ممکن است به جهت‌گیری خاص در پرونده، افزایش خطر رسیدگی عجولانه، نادیده گرفتن برخی حقوق دفاعی و نقض حریم خصوصی متهم، کاهش کیفیت دادرسی، سخت‌گیری در صدور قرار تأمین کیفری و خروج قاضی از استقلال و عدالت بینجامد. او می‌افزاید: متأسفانه برخی رسانه‌ها بدون داشتن سواد حقوقی، به مسائلی دامن می‌زنند که مسیر پرونده تغییر می‌کند. برای مثال، در یکی از پرونده‌ها، هنرمندان و ورزشکاران تلاش کردند برای قاتل رضایت بگیرند و رسانه‌های اعلام کرد که خانواده مقتول برای اعلام رضایت، تقاضای فلان مبلغ داشته‌اند. در صورتی که اولیای دم از این قضیه مطلع نبودند و همین مسئله سبب شد تلاش شبانه‌روزی جامعه هدر رود و قاتل قصاص شود. شخصاً در پرونده حمید صفت هیچ‌گاه حاضر به مصاحبه نشدم زیرا ممکن است خبرنگار با برداشت نادرست، خواسته یا ناخواسته سرنوشت پرونده را تغییر دهد. و کالت بیش از ۱۰۰۰ پرونده جنایی و قتل را عهده‌دار و شاهد تأثیر منفی و مثبت رسانه‌ها بوده‌ام. اکنون نیز پرونده قتلی دارم که علت فوت، ورود یک ضربه چاقو به ران پا و خون‌ریزی شدید بوده است اما خبرگزاری‌ها علت را ورود ضربات متعدد چاقو اعلام کردند. با وجود اینکه این پرونده هنوز در مرحله دادسراست، اما همین مسئله سبب شده است مادر مقتول رضایت ندهد. قاسمی با اشاره به

اینکه از خبرنگاران این حوزه انتظار می‌رود که تاحدی سواد حقوقی داشته باشند و بتوانند قضیه را تجزیه و تحلیل کنند اضافه می‌کند: علاوه بر این، برای ارائه یک گزارش قضایی حتماً در جلسات رسیدگی حضور داشته باشند. رعایت عدالت و انصاف و ارائه گزارش بدون هیچ‌گونه حب و بغض از دیگر خصوصیات یک خبرنگار حقوقی است. از رسانه‌هایی که خبری را برای نخستین بار پوشش می‌دهند نیز انتظار می‌رود با دقت بیشتری عمل کنند و سبب انتشار اخبار خلاف واقع نشوند. به قول فاضل نظری: «یک نقطه بیش فرق رحیم و رجیم نیست/ از نقطه‌ای بترس که شیطانی‌ات کند» خبرنگاران باید مراقب باشند عملکرد آنان به سمت انتشار اخبار نادرست سوق پیدا نکند.

سکه ثامن، پرونده‌ای بی نظیر در طول تاریخ قضایی ایران

رسانه‌ها و اصحاب خبر وجدان آگاه و بیدار جامعه و نمایندگان افکار عمومی هستند. بدون شک حضور آنان در جلسات دادگاه و انعکاس



اخبار پرونده‌ها برای کشف حقیقت، احراز واقعیت و آگاهی‌بخشی به جامعه نقش قابل توجهی دارد اما متأسفانه گاهی جو رسانه‌ای و فضای سنگین خبری و سیاسی کار را بر اصحاب دعوا و وکلای اصحاب دعوا و در برخی موارد دادگاه‌ها دشوار می‌کند. اصولاً دادگاه‌ها باید بتوانند مسلط بر موضوع و فارغ از هیجان‌ات و التهابات زودگذر جامعه تصمیم بگیرند که متأسفانه گاهی با عملکرد نادرست برخی رسانه‌ها این عمل دشوار می‌شود. اما معتقدم به طور کلی حضور رسانه‌ها و انعکاس خبری اخبار دادگاه‌ها آثار مثبت چشمگیری دارد. به عنوان نمونه پرونده سکه ثامن اتفاق بی‌نظیری در طول تاریخ قضایی ایران محسوب می‌شود. با وجود اینکه هنوز این پرونده در مرحله تحقیقات و دادسرا می‌باشد و هیچ‌گونه رأی قطعی صادر نشده است، مال‌باختگان توانسته‌اند به قسمتی از مطالبات خود دست یابند و تاحدی رد مال صورت گرفت. این قضیه با تدبیر ریاست محترم قوه قضاییه صورت گرفت و البته نقش مطبوعات، خبرگزاری‌ها و خبرنگاران متعهد و دلسوز و مردمی در انعکاس اخبار و پیگیری مطالبات مردم انکارناپذیر است و من به نمایندگی از مال‌باختگان این پرونده -که قریب به ۴۰۰۰ نفر هستند- از جامعه خبری و رسانه‌های کشور صمیمانه تشکر می‌کنم.

البته وظیفه و رسالت خطیر خبرنگاران و رسانه‌ها این است که برای آگاهی‌بخشی به افکار عمومی و فارغ از دسته‌بندی‌ها و خط و خطوط سیاسی، به انتقال آنچه واقعیت قضیه است بپردازند. خبرنگاران باید متعهدانه و فارغ از هرگونه پیش‌داوری و قضاوت قلم بزنند و برای کشف حقیقت و اجرای عدالت در پرونده‌های حقوقی، شجاعت، صداقت و صراحت را سرلوحه کار خود قرار دهند.



دولت باید منت دار مطبوعات باشد

نقد و بررسی قانون مطبوعات از زبان سیاوش هوشیار حسینی

قانون مطبوعات در تاریخ قانون گذاری ایران یکی از بحث برانگیزترین متون است که به تصویب رسیده، تغییر کرده یا اصلاحیه داشته است؛ از زمان تدوین و تصویب نخستین قانون مطبوعات ایران در ۱۸ بهمن ماه سال ۱۲۸۶ شمسی تا امروز، این قانون به گفته دست اندر کاران، دست کم ۵ بار به کلی تغییر کرده و متن جدیدی جایگزین آن شده است که البته این مسئله غیر از اصلاحیه‌ها و متمم‌های مکرر است. با توجه به اهمیت قانون مطبوعات و به تبع آن آشنایی با حقوق ذی نفعان آن بر آن شدیم گفت‌وگویی با سیاوش هوشیار، وکیل دادگستری، مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه وکلاداشته باشیم. مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.



محمد حسین خسروی
کارشناس حقوقی و
خبرنگار

با اشاره‌ای به سیر تحول قوانین مرتبط با مطبوعات در کشور، قوانین مدون کنونی و قابل اجراء در حوزه مطبوعات را معرفی کنید.

اگر انتشار «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۱۵ خورشیدی را مبدأ مطبوعات ایران در شکل کنونی بدانیم، می‌توان گفت قدمت مطبوعات پیش از قدمت قانون در کشور ماست. با این حال از بدو استقرار نظام تقنینی در ایران و در همان دوران استبداد قاجار هم، قانون گذار متوجه ویژگی‌های حقوقی موضوع مطبوعات بوده است.

نخستین قانون مطبوعات ایران در سال ۱۲۸۶ خورشیدی بر اساس اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه به تصویب مجلس شورای ملی رسید، اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی مشروطه نیز حضور هیئت منصفه در محاکمات مطبوعاتی را لازم دانسته بود. پس از انقلاب اسلامی، اولین مقرر لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب است. این لایحه قانونی در مقایسه با مقررات فعلی از انعطاف بیشتری برخوردار است زیرا اعطای پروانه به متقاضیان انتشار مطبوعات به کمیسیون متشکل از ۷ نفر که اکثریت آن‌ها افراد غیردولتی بودند سپرده شده بود و همچنین نظر هیئت منصفه مبنی بر بی‌گناهی در محاکمات مطبوعاتی برای دادگاه لازم‌الاتباع بود.

اکنون متن قانونی مخصوص مطبوعات که در اختیار داریم، همان «قانون مطبوعات» است که در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است اما در این فاصله مشمول اصلاح و الحاقات مختلفی شده است؛ اصلاح عمده قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹ انجام شد و آخرین اصلاحات هم مربوط به سال ۱۳۸۸ است.

آیا حقوق اولیه خبرنگاران در قانون مدنظر قرار گرفته است؟ تا چه میزان آزادی مطبوعات در عمل اجرا شده است؟

تصور من این است که از قانون ویژه مطبوعات باید انتظار ایجاد یک سری امتیازات حقوقی را به سبب ویژگی‌های کار مطبوعاتی داشته باشیم. از آنجا که مطبوعات چشم و زبان جامعه هستند، برای ایفای رسالت مطبوعاتی خود نباید از فشار و انتقام جویی متخلفان زورمند یا حتی عقوبت خطا در انتقال اخبار بترسند و با مفروض دانستن حسن نیت آنان، حتما مستحق یک سری حمایت‌های قانونی هستند. با این حال، با بررسی قانون مطبوعات ایران به ویژه پس از اصلاحات ۱۳۷۹، به نظر نمی‌رسد این قانون رویکرد حمایتی داشته باشد و بیشتر در صدد مشخص کردن حدود فعالیت مطبوعات است. در موضوع جرایم مطبوعاتی به جز مسئله

ضرورت حضور هیئت منصفه - که عملاً آن هم به دلیل لازم‌الاتباع نبودن نظرش اثری در اصل جریان محاکمه ندارد - هیچ گونه حمایت قانونی مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، در قانون مطبوعات فعلی اصولاً ارائه تعریف یا اشاره‌ای به «خبرنگار» صورت نگرفته است بلکه صرفاً چند مرتبه به طور عام به «نویسنده» مطلب در مطبوعات اشاره شده که آن هم بیشتر در بحث مسئولیت نویسنده مطرح است.

آزادی مطبوعات یک مفهوم وسیع است که بحث از آن در این گفت‌وگو نمی‌گنجد اما آنچه گاهی از ناحیه اجزای دولت یا محاکم دادگستری مشاهده می‌شود، یک نوع انفعال در برابر مطبوعات بوده است. گاهی آن چیزی که مدیران دولتی از مطبوعات تصور می‌کنند، در حد روابط عمومی سازمان متبوعشان است. البته شاهد یک سری اتفاقات مثبت هم بوده‌ایم. مانند دستور آقای دکتر روحانی در بدو تصدی دولت یازدهم در مورد پس گرفتن ۵۰ شکایت دولت قیل از مطبوعات کشور. به نظر من، اساساً دولت باید منت‌دار مطبوعات باشد. قبیح است اگر یک سازمان دولتی از مطبوعات شکایت کند مگر اینکه در رفتار مورد شکایت واقعا سوءنیت شدید یا یک زیان عمومی فاحش مشهود باشد.

عملکرد خبرنگاران را از حیث میزان درستی یا نادرستی عملکردشان در انتشار اخبار و گزارش به خصوص در انتشار جزئیات پرونده‌های حقوقی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ترجیح می‌دهم به طور خاص در مورد خبرنگاران حقوقی صحبت کنم. به نظرم در این زمینه با یک آسیب کلی مواجه هستیم. خبرنگاران سرویس‌های حقوقی شاید در زمینه فن خبر و کار رسانه‌ای تحصیل کرده و میرز باشند ولی فعالیت در سرویس حقوقی علاوه بر تخصص خبرنگاری، نیازمند آشنایی حداقلی با مسائل حقوقی نیز هست. برای مثال، خبرنگار نشست خبری یا جریان محاکمه‌ای را پوشش می‌دهد اما از آنجا که اصطلاحات حقوقی را نمی‌شناسد و از قانون و مقررات حاکم بر جریان رسیدگی مطلع نیست، در تنظیم خبر و گزارش دچار ایرادهای حقوقی بعضاً فاحش می‌شود. به نظرم برای رفع این معضل، سرویس‌های حقوقی باید در کنار خبرنگاران حرفه‌ای حتماً از یک کارشناس حقوقی استفاده کنند و گزارش‌ها و اخبار حقوقی ویرایش علمی حقوقی شوند. ضمن اینکه انتشار نشریات تخصصی حقوقی از جمله ماهنامه شهرآدی می‌تواند این خلأ را به نحو مناسبی پوشش بدهد.

از نظر شما الزامات اولیه فعالیت مطبوعاتی چیست؟

به طور طبیعی شاید نخستین موضوعی که برای

نوری بتابان

نگاهی به بازنمایی رکن چهارم دموکراسی در فیلم اسپات لایت



مؤلفی فیلم
حامد پناپادی
جامعه‌شناس

فعالیت مطبوعاتی مانند هر فعالیت دیگری نیاز باشد، امکانات مادی است. متأسفانه پس از تحمیل تروریسم اقتصادی آمریکا به کشورمان، حیات رسانه‌های مکتوب بر اثر گرانی کاغذ به مویی بند است. البته این آسیب عمدتاً متوجه مطبوعات بخش خصوصی است، و مطبوعات دولتی و شبه‌دولتی که به منابع عمومی متصل هستند آسیب نمی‌بینند. حیات اقتصادی مطبوعات پیش از این هم با شیوع رسانه‌های الکترونیک صدمات سختی خورده بود و مسائل اخیر نیز مزید بر آن شد. هر چند ضرورت و جایگاه رسانه‌های کاغذی غیرقابل انکار و چشم‌پوشی است، شاید برای ادامه حیات مطبوعات در این شرایط، استفاده از زیرساخت‌های الکترونیک اجتناب‌ناپذیر باشد. اکنون برخی مطبوعات انتشار نسخه‌های کاغذی‌شان را قطع یا محدود کرده‌اند و متکی به انتشار نسخه الکترونیکی شده‌اند.

مسئولیت تخلف در حوزه انتشار اخبار با چه شخصی است؟ صاحب امتیاز و مدیرمسئول یا نویسنده خبرنگار هم مسئولیت دارند؟

در این رابطه قانون‌گذار علاوه بر صاحب امتیاز، مدیرمسئول و نویسنده مطلب، به طور کلی برای هر شخص دیگری هم که در ارتکاب جرم مطبوعاتی دخالت داشته باشد مسئولیت قائل شده است. برای مثال بر اساس قانون مطبوعات حتی امکان تعقیب تأییبست یا مسئول توزیع یک نشریه نیز وجود دارد. در قانون مطبوعات صاحب امتیاز صرفاً در مورد خطی مشی کلی نشریه مسئول دانسته شده است ولی مدیرمسئول در مورد همه مطالبی که به چاپ می‌رسد و همه امور مربوط به نشریه مسئولیت دارد و این مسئولیت عام مدیرمسئول با مسئولیت نویسنده و دیگران قابل جمع است. بنابراین اگر مطلبی در نشریه چاپ شود که محتوای مجرمانه داشته باشد، هم مدیرمسئول نشریه و هم نویسنده آن مطلب تعقیب می‌شوند اما اگر خط مشی کلی نشریه انتشار چنین مطالبی نباشد، صاحب امتیاز نشریه تعقیب نمی‌شود.

از نظر شما ایرادهای قانون اصلاح قانون مطبوعات چیست؟

معتقدم که اصلاحات ۱۳۷۹ قانون مطبوعات یک پسرفت در حقوق مطبوعات ایران بود که در زمان تصویب نیز یک سری مناقشاتی را در کشور ایجاد کرده بود. در این اصلاحات - که در آخرین روزهای کار مجلس پنجم تصویب شد - با گسترش عناوین مجرمانه و یک سری تزییقات حقوقی جدید برای مطبوعات مواجه شدیم. همان طور که گفتم انتظار ما از قانونی که با عنوان مطبوعات تصویب می‌شود این است که حاوی یک سری امتیازات قانونی برای مطبوعات باشد. روح قانون اساسی هم همین است. اگر نگاهی به قوانین از بدو قانون‌گذاری در این کشور - از قانون اساسی مشروطه تا قانون اساسی جمهوری اسلامی - بیندازیم درمی‌یابیم که به شکل رسیدگی به جرایم مطبوعاتی به طور خاص و ممتاز توجه شده است. نمی‌توانیم بپذیریم که قوانین ماهوی حاوی امتیاز نباشند. به عنوان نمونه اصل ۲۴ قانون اساسی در تعیین حدود آزادی مطبوعات تنها اخلاق در ۲ موضوع «مبانی اسلام» و «حقوق عمومی» را استثنا کرده است. ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز ابتدا بر همین اساس تنظیم شده بود اما در اصلاحات ۱۳۷۹ قید «خصوصی» هم به حقوق عمومی در این ماده الحاق شد که شورای نگهبان باید به این موارد دقت می‌کرد.

آیا قانون مطبوعات پاسخگوی فضای کنونی مطبوعات در کشور هست؟

علاوه بر جهات کلی که عرض کردم، معتقدم به علت شرایط خاص اقتصادی فعلی، مطبوعات باید به طور مضاعف مورد حمایت قرار گیرند. منظور از حمایت، حفظ حیات گلخانه‌ای و یارانه‌ای آن‌ها نیست بلکه این حمایت باید با ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها و بستر سازی‌هایی با هدف توانمندسازی مطبوعات انجام شود. در همین راستا یکی از اقدامات مهمی که حاکمیت می‌تواند ترتیب دهد، ایجاد حمایت‌های حقوقی از مطبوعات است. اشاره کردم که با نگاهی به سیر تقنینی در حوزه مطبوعات درمی‌یابیم که تاکنون مسیر خوبی را طی نکرده‌ایم. البته سال‌های اخیر در رویه قضایی و سیاست‌گذاری‌ها شاهد انعطاف نسبت به مطبوعات بوده‌ایم. شاید وقت آن رسیده باشد که با گذر از التهابات دهه ۷۰، قانون مطبوعات بر اساس نیازهای موجود دوباره مورد بازبینی اساسی قرار گیرد.

حال ناخوش روزنامه‌نگاری دارد. مردم مطبوعات را برای دست‌یابی به اخبار و نقدونظرهایی می‌خواهند که پیش‌روتر و بیش‌نگرتر از جامعه باشد. علت اصلی ملال مخاطبان و رکود مطبوعات در ایران فقط کمبود و گرانی کاغذ و تحریر و تورم نیست. علت این است که ملاحظاتی چندجانبه چنان دست و پای آنان را بسته و خط قرمزها چنان دایره کارشان را کوچک کرده که فضایی برای خلاقیت، نقد و تحلیل باقی نمانده است. روزنامه‌نگاری تنها یک قانون دارد و آن این است که مردم باید حقیقت را بدانند. یکی از حوادثی که تلاش روزنامه‌نگاران سبب به سرانجام رسیدن آن شد، پرونده تجاوز و آزار جنسی کلیسا بود. این روزنامه‌نگاران بوستون گلوب بودند که در سکوت نهادهای رسمی به پرونده ورود و تارسیدن به نتیجه نهایی آن را پیگیری می‌کنند. «اسپات لایت» نام گروهی از روزنامه‌نگاران تحقیقی روزنامه بوستون گلوب است که روی سوژه‌های خاص همانند پرونده‌های مسئله‌دار، پروژه‌های ساختمانی یا پلیس محلی به صورت محرمانه تحقیق می‌کنند و در پایان، نتیجه گزارش‌های خود را در قالب مقالات تحقیقی منتشر می‌کنند. فیلم «اسپات لایت» یا «افشاگر» (۲۰۱۶) به کارگردانی تام مک کارتی، فیلمی است بر اساس واقعیتی که به تلاش این گروه برای افشای سوءاستفاده جنسی از کودکان از سوی کشیشان کلیسای کاتولیک بوستون در ایالت ماساچوست آمریکا و پیگیری قضایی این پرونده می‌پردازد. آن‌ها برای کشف ابعاد پیچیده این پدیده غیراخلاقی به مصاحبه با قربانیان، وکیل آنان، وکیل کلیسا، مطالعه اسناد قضایی، گزارش‌های خبری و مراجعه به منابعی از درون کلیسا می‌پردازند. روزنامه بوستون گلوب در یک سال بالغ بر ۶۰۰ مقاله درباره این رسوایی منتشر می‌کند و با پیگیری‌های خستگی‌ناپذیر خود پرده از فساد اخلاقی نظام‌مند برمی‌دارند که به افشای سوءاستفاده جنسی پدران روحانی در ایالت‌های مختلف آمریکا، اروپا و سایر کشورهای جهان می‌انجامد، نمونه‌ای کامل از تأثیر جهانی یک اقدام منطقه‌ای. گروه اسپات لایت از مسیر روزنامه‌نگاری تحقیقی از مرز یک خبر جزئی عبور می‌کند و نشان می‌دهد که کلیسا نه با یک مورد تجاوز جنسی که با یک سیستم و الگوی فساد مواجه است.

تلاش پانزده‌ساله کاردینال لایو برای لاپوشانی و تطمیع خانواده‌های آسیب‌دیدگان نمی‌تواند جلو این فساد خزننده را بگیرد و دامن نهاد کلیسا را از این ننگ پاک کند اما تلاش یک‌ساله روزنامه‌نگاران برای افشای فساد و تبیین

صحیح ابعاد، حساسیت و اهمیت آن، مفسدان را رسوا می‌کند و نقطه پایانی بر روابط فسادآمیز درون نهاد کلیسا می‌گذارد و کمک می‌کند تا کلیسا سلامت اخلاقی خود را باز یابد. رابی رابینسون، سردبیر گروه اسپات لایت، اعتراف می‌کند که در سال ۱۹۹۳ فهرستی متشکل از ۲۰ کشیش متخلف دریافت کرده اما از موضوع گذر کرده است در حالی که رسالت حرفه‌ای و اخلاق رسانه‌ای ایجاب می‌کرد با پوشش رسانه‌ای در خور موضوع، از ورود آسیب‌های بیشتر به کودکان جلوگیری شود.

گزارش گروه روزنامه‌نگاری تحقیقی روزنامه بوستون گلوب از کودک‌آزاری از سوی کلیسای کاتولیک به جایزه پولیتزر «خدمت به عموم» در سال ۲۰۰۳ برای این روزنامه منجر شد.

فیلم اسپات لایت آینه تمام‌نمای اخلاق رسانه‌ای و سلوک حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است. در این فیلم جایگاه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در برابر روزنامه‌نگاری زرد یا روزنامه‌نگاری تجاری به خوبی به نمایش گذاشته شده است.

تدوین سیاست‌هایی در راستای توسعه روزنامه‌نگاری تحقیقی می‌تواند به تحقق عدالت و جلوگیری از فساد نظام‌مند و همچنین جلوگیری از شایعه‌پراکنی و رسیدن به اطلاع‌رسانی بر مبنای اصول بنیادین صحت، دقت و عینیت در روزنامه‌نگاری منجر شود.

«اسپات لایت» در مراسم اسکار ۲۰۱۶، ضمن نامزدی در ۶ رشته، عنوان بهترین فیلم و بهترین فیلم‌نامه اورجینال را به خود اختصاص داد. یک درام اجتماعی با قصه‌ای به شدت ملتهب با بازی‌های خوب مارک روفالو، مایکل کیتون و راجل مک آدام که علاوه بر نظر مساعد منتقدان، مخاطبان سینما را هم با خود همراه می‌کند.

همان گونه که مک کارتی، کارگردان فیلم اسپات لایت اذعان می‌کند، فعالیت روزنامه‌نگاری اسپات لایت متوقف شده است و اکنون بهترین زمان برای فساد است زیرا سال‌هاست که این نوع روزنامه‌نگاری از بین رفته است. حمایت همه‌جانبه سازمان رسانه، دستگاه‌های نظارتی و دستگاه قانون‌گذار از این شیوه روزنامه‌نگاری می‌تواند در پرونده‌های مربوط به فساد مالی، اختلاس، ناکارآمدی مدیریتی، سوءاستفاده و تجاوز به دانش‌آموزان در برخی مدارس و دیگر موارد فساد اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی که در سالیان اخیر اخبار آن در مطبوعات و فضای مجازی منتشر شده است به نتیجه مطلوب برسد و انتظار افکار عمومی را برآورده سازد.



آشنایی با ساختار هیئت منصفه دادگاه مطبوعات



سعید محمدنژاد
کارشناسی ارشد حقوق
خصوصی

فلسفه وجود هیئت منصفه در جرایم مطبوعاتی ناشی از تفکر حضور افکار عمومی است. آغاز فعالیت هیئت منصفه به سال ۱۳۱۰ بازمی‌گردد. به موجب ماده یک قانون هیئت منصفه

مصوب ۱۳۱۰: «رسیدگی به جرم‌های مطبوعاتی در دیوان جنایی و با حضور هیئت منصفه به عمل خواهد آمد» اما با پیروزی انقلاب و هم‌زمان با تصویب قانون اساسی و اصل ۱۶۸ آن، تکلیف رسیدگی به جرایم مطبوعاتی روشن شد و موضوع حضور هیئت منصفه در دادگاه براساس قانون هیئت منصفه مصوب سال ۱۳۸۲، دوباره مدنظر قرار گرفت. براساس این ماده، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در دادگاه صالح صورت می‌گیرد. همین مسئله در ماده واحده مصوب سال ۱۳۸۳، بار دیگر مورد تأیید و تکرار قرار گرفت. قانون گذار در سال ۱۳۸۴ با تصویب ماده واحده «قانون فعال نمودن هیئت منصفه مطبوعات»، نحوه انتخاب هیئت را بیان کرد اما در نهایت، قانون گذار در سال ۱۳۸۷ با تصویب یک ماده واحده دیگر در قالب تعیین تکلیف هیئت منصفه مطبوعات، قانون هیئت منصفه سال ۱۳۸۲ را لغو و در این مورد مواد مربوط به هیئت منصفه مطبوعات را از قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ لازم‌الاجرا دانست. بر اساس این قانون، تعیین اعضای هیئت منصفه در تهران مهرماه هر ۲ سال یک بار، به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاست گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی و رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی صورت می‌گیرد. هیئت مذکور در تهران ۲۱ نفر و در سایر استان‌ها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، استادان دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضای هیئت منصفه انتخاب می‌کند.

مطابق ماده ۴۳ قانون مذکور، پس از اعلام ختم رسیدگی، بلافاصله اعضای هیئت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در ۲ مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند: نخست آنکه متهم بزهکار است یا خیر؛ دوم، در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر.

پس از اعلام نظر هیئت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون به صدور رأی مبادرت می‌کند. مطابق تبصره ۲ ماده ۴۳، در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی، رأی بر برائت صادر کند اما در این قانون پیش‌بینی نشده است که اگر تصمیم هیئت منصفه بر برائت باشد، دادگاه ملزم به تبعیت است یا خیر. بدون شک پایبندی به این شروط در حقوق ایران، وقتی می‌تواند جامعه عمل ببوشد که از دیدگاه فقهی نیز بتوان چنین جایگاهی برای هیئت منصفه در نظر گرفت.

نقش هیئت منصفه در حفظ آزادی مطبوعات



حسین شریعتی
کارشناسی ارشد حقوق
خصوصی

آزادی یکی از اصول اساسی و مهم هر اندیشه و مکتب مورد قبول قرار گرفته در جوامع بشری است، اصلی که در بستر آن می‌توان امید داشت انسان بتواند به سوی تعالی و پیشرفت حرکت کند، حقایق بیان و کرامت انسان حفظ شود. از سوی دیگر، با نگاه به تاریخ جوامع درمی‌یابیم به موازات کاهش آزادی، دیگر جنبه‌های متعالی اجتماعی انسان نیز افول می‌کند. آزادی در جامعه نمودهای مختلفی دارد و آزادی قلم و بیان، آن مصداقی است که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. آزادی مطبوعات در قوانین بسیاری از کشورها به طور صریح و جدی دیده شده و اصل ۱۲۴ قانون اساسی ایران نیز صراحتاً نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد دانسته است که بر اساس اصل نهم حفظ این آزادی، وظیفه آحاد ملت و دولت است.

بی‌تردید اصل آزادی مطبوعات در روزگار فعلی ضرور است اما در خصوص حدود این آزادی گفته‌اند اگر چه مطبوعات می‌تواند با تحقق رسالت خویش باعث رشد و شکوفایی مادی و معنوی جامعه شود، اما اگر در اختیار افراد ناصالح و با سوءنیت قرار گیرد، ممکن است با نشر مطالب خلاف واقع، جامعه را از مسیر درست خارج کند. برای ممانعت از این انحراف و حفظ نظم و امنیت عمومی، یک سری اقدامات از سوی مطبوعات جرم‌انگاری شده است اما به علت تعارض جرم‌انگاری در این

حوزه با اصل آزادی مطبوعات و اثری که دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی در نحوه جرم‌انگاری خواهد گذاشت، ورود به این موضوع به مراتب پیچیده‌تر است. برای مثال، در گذشته‌ای نه‌چندان دور در ایران عناوین مجرمانه مطبوعات بسیار سلیقه‌ای و بی‌ضابطه بود و بیشتر بهانه‌ای برای سرکوب و بستن دهان مطبوعات از سوی دولت وقت بود. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ در فصول چهارم و ششم مهم‌ترین مصادیق جرایم مطبوعاتی را معین کرده و به این مسئله سامان بخشیده است. همچنین در قوانین پراکنده دیگری همچون قانون مجازات اسلامی نیز مصادیق دیگری از جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی شده است. برای شناخت بیشتر این عناوین در حوزه قلمرو حقوق فردی می‌توان به عناوینی چون توهین، هتک حرمت، افتراء، اشاعه اکاذیب، سرقت ادبی، تقلید نام یا علامت نشریه دیگر، تهدید از سوی مطبوعات و افشای اسرار شخصی اشاره کرد. همچنین در حوزه قلمرو نظم و امنیت عمومی عناوین مجرمانه‌ای چون افشای اسرار محرمانه دولتی، مطالب و تصاویر بر خلاف عفت عمومی، توهین به مقدسات و مقامات، تحریک علیه امنیت کشور، تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران، انتشار نشریه بدون پروانه و ... در نظر گرفته شده است. عناوین بالا تنها چند نمونه از مهم‌ترین عناوین مجرمانه در حوزه مطبوعات محسوب می‌شوند نه تمام آن‌ها.

حال پرسش این است که آیا مطبوعات می‌توانند با وجود این جرم‌انگاری‌ها و مشخص شدن حدود و ثغورشان زیر سایه اصل آزادی، حین بیان یا پس از آن احساس امنیت داشته باشند.

پاسخ این پرسش را می‌توان در قانون اساسی یافت: لزوم برگزاری دادگاه جرایم

سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه، طبق ماده ۳۴ قانون مطبوعات، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در هر صورت با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی تجویز شده است. این هیئت نقش ویژه‌ای در حفاظت از اصل آزادی مطبوعات دارد و نهادی مترقی و عالی است که می‌تواند به عنوان وجدان جمعی جامعه و خواست مردم سرنوشت مطبوعه متهم را تعیین کند. البته در حقوق ایران، هیئت منصفه بنا به دلایلی مانند صلاحیت محدود، عمر کوتاه و نبود روبه قضایی لازم نتوانسته است جایگاه واقعی خود را بیابد و در نتیجه مقررات مربوط به آن در برخی موارد مجمل، ناقص و فاقد پشتوانه منطقی است. برای مثال، یکی از این موارد، تعارض رأی هیئت منصفه با رأی قاضی است. در این خصوص، استدلالات مختلفی بیان شده است که ۲ نمونه آن بیشتر محل توجه است. عده‌ای معتقدند بر اساس اصول ۳۶ و ۱۵۶ قانون اساسی رأی دادگاه باید از سوی قاضی صادر شود و نقش هیئت منصفه تنها ماهیت مشورتی دارد که البته این دیدگاه با موازین حقوقی و قانونی سازگار نیست. نظر دیگری که بیشتر با این موازین سازگار است، بر این مبناست که چون در قانون اساسی و قانون مطبوعات حضور هیئت منصفه برای رسیدگی و رسمیت یافتن جلسه دادگاه الزامی است. پس رأی و نظر این هیئت باید در رأی که قاضی صادر می‌کند لحاظ شود. به بیان دیگر، هیئت منصفه با پرداختن به امور موضوعی، قاضی را در کشف و صدور حکم صحیح راهنمایی می‌کند. اکنون هنوز رویه ثابتی در این خصوص وجود ندارد اما بهتر است با توجه به شرایط و اقتضائات جامعه امروزی، به نقش اصلی هیئت منصفه در صدور حکم، بیشتر توجه داشته باشیم.

لایحه نظام جامع رسانه‌ای تلاش برای دولتی کردن رسانه‌ها



نعمت احمدی
حقوقدان و وکیل دادگستری

مشخص نیست در تهیه و تدوین متن لایحه نظام جامع رسانه‌ای از چه کسانی نظر خواهی شده است. متأسفانه نگاه مسئولان تدوین کننده لایحه هنوز در دهه‌های

۳۰- که مطبوعات شکل و ساختار ویژه‌ای داشت - متوقف شده است حال آنکه در دوره و زمانه‌ای که مطبوعات شنیداری و دیجیتالی جای مطبوعات مکتوب را گرفته‌اند و مدیرمسئول، سردبیر، دبیر سرویس و عکاس معنای سنتی خود را از دست داده‌اند، هر روز بندی به پای مطبوعات می‌بندیم و جامعه و مردم را به سمت هیچ سوق می‌دهیم. تدوین کنندگان متن، برای اینکه بتوانند در مقابل افرادی که ادعای روزنامه‌نگاری، بخش خبر و تحلیل در فضای مجازی دارند بایستند، باید مطبوعات مکتوب را تقویت کنند اما لایحه از این رویکرد حمایت نکرده است و همین موضوع تامل‌ناپذیر رق این مطبوعات را می‌گیرد.

با توجه به اینکه تمام این لایحه را مطالعه کرده‌ام، به جرئت می‌توانم بگویم تمام مواد آن ایراد دارند و هیچ ماده‌ای در این لایحه وجود ندارد که بتوان به آن دل خوش کرد. برای مثال با مطالعه ماده ۲۲ لایحه نظام رسانه‌ای، درمی‌یابیم هیئت مرکزی انتخابات که باز هم اکثریت آن حکومتی و خارج از صنف روزنامه‌نگاران هستند، می‌تواند نتیجه انتخابات هیئت مدیره را باطل کند. این هیئت متشکل از نماینده دادستان کل، نماینده وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، یک قاضی بازنشسته و یک نماینده از هیئت نظارت بر مطبوعات و یکی نماینده از شورای عالی سازمان هستند. علاوه بر این‌ها مسئولان دولتی یک هیئت رسیدگی به تخلفات در نظر دارند که کاملاً در تضاد با قانون اساسی و ضد استقلال قضایی است زیرا یک سری کارها مختص قوه قضائیه است. در ماده ۲۷ این لایحه آمده است. این در حالی است که جرمه اقدامی قضایی است.

عصر دولتی کردن رسانه‌ها گذشته است. تا امروز تجربیات متعددی در این باره داشتیم و همه شکست خوردند. به همین دلیل به دنبال اجرای اصل ۴۴ هستیم که همه مسائل را خصوصی کنیم. حالا در چنین شرایطی برخی به دنبال این هستند که رسانه را دولتی کنند. با این کار همین رسانه‌های نیم‌بندی که داریم و نمی‌توانند روی پایشان بند بکشوند، زیر مجموعه یک سازمان دولتی قرار می‌گیرند که در آن دادگاه مطبوعات و آزادی مطبوعاتی خبری نیست. این عمل نهایتاً به این ختم می‌شود که جامعه عطای روزنامه‌نگاری مکتوب قانونمند را کنار بگذارد و به یک بخش زیرزمینی بدل شود.

معتقدم این لایحه در مجلس به تصویب نخواهد رسید زیرا هیچ فردی حاضر نیست این داغ را بر پیشانی و سابقه سیاسی خود بگذارد و لایحه نظام جامع رسانه‌ای را تصویب کند یا به آن رأی مثبت بدهد زیرا قطعاً در اذهان عمومی باقی خواهد ماند که چه کسانی چنین لایحه‌ای را ارائه و چه افرادی آن را تصویب کردند.



آزادی روزنامه‌نگاران؛ عنصر مغفول در لایحه آزادی مطبوعات

بررسی لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها و طرح نظام رسانه‌ای از زبان کامبیز نوروزی



تکنم جاوید
خبرنگار

دولت در قالب تکلیفی که از برنامه چهارم توسعه متوجه اوست موظف به ارائه لایحه نظام جامع رسانه‌هاست. این تکلیف در عمل به ۲ لایحه منجر شده است: قانون مطبوعات و قانون سازمان نظام رسانه‌ای. اولی به رابطه سه‌ضلعی حاکمیت، مردم و رسانه‌ها و دومی به رابطه روزنامه‌نگاران اعم از حقوق و تکالیف متقابل روزنامه‌نگاران با حاکمیت ملی، با مدیران رسانه‌های متبوع و با خودشان می‌پردازد. از آنجا که آزادی مطبوعات به‌عنوان یکی از اشکال آزادی همواره مورد توجه حقوق دانان است، توسعه تدریجی مطبوعات گام مؤثری در انتقال اطلاعات و طرح مباحث فکری و نظری محسوب می‌شود. به دلیل اهمیت بررسی لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها و لایحه نظام رسانه‌ای بر آن شدیم تا گفت‌وگویی با کامبیز نوروزی، حقوق دان، روزنامه‌نگار و نایب رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، داشته باشیم. مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

آیاد تدوین این پیش نویس از فعالان رسانه‌ای و مطبوعاتی نظر خواهی شده است؟

تا آنجا که مطلع هستم، از روزنامه‌نگاران و فعالان این حوزه نظر خواهی نشده است و متأسفانه مسئولان بر مخفی نگه داشتن اسم مشاوران خود در تدوین این پیش نویس نیز اصرار دارند. به نظر می‌رسد هیچ کارشناس رسانه‌ای شناخته شده‌ای در روند تهیه پیش نویس مشارکت نداشته است.

به نظر می‌رسد این پیش نویس اشکالات بسیاری در نگارش و واژگان نیز داشته است؛ برای مثال از واژه «رسانه» استفاده کرده؛ حال آن که صرفاً شامل مطبوعات شده است. متن این پیش نویس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این متن از لحاظ کارشناسی بسیار ضعیف است. البته شاید تنظیم کنندگان پیش نویس از این واژه استفاده کرده‌اند تا حساسیت فعالان مطبوعات جلب نشود.

برخی از فعالان مطبوعاتی معتقدند پیش نویس نظام رسانه‌ای، به تعطیلی آزادی مطبوعات خواهد انجامید. نظر شما در این باره چیست؟

آزادی مطبوعات، آزادی کسب خبر و انتشار آن است. این متن، به طور کامل استقلال روزنامه‌نگاران را از میان برده و آنان را تحت استیلا مطلق دولت قرار می‌دهد و مولد روزنامه‌نگاری دولتی است. به طور کلی تنظیم کنندگان این متن توان ایجاد محدودیت در فعالیت روزنامه‌ها از طریق تحول در قانون مطبوعات جاری نداشته‌اند و از همین رو تلاش کرده‌اند با ایجاد «روزنامه‌نگاری دولتی» آزادی مطبوعات را از میان ببرند.

مطلبی را در فضای مجازی در تیراژی بالا در اختیار مردم قرار دهند. در این لایحه همچنان دسترسی به اطلاعات برای روزنامه‌نگاران و انتشار اطلاعات برای رسانه‌ها مخاطره آمیز است و این مورد نیز خلاف حق برخورداری از امنیت محسوب می‌شود. ماده ۹ این لایحه، رسانه‌ها را در حد روابط عمومی حکومت تلقی می‌کند که بسیار ناامیدکننده است. تنها حق دادرسی خاص در این لایحه رعایت شده است که مربوط به هیئت منصفه است. به طور کلی اگر این لایحه را با قانون مطبوعات فعلی مقایسه کنیم، به جز فصل پایانی آن - که مربوط به هیئت منصفه است - هیچ تحولی در آن مشاهده نمی‌شود.

به تازگی برخی نمایندگان در صدد به جریان انداختن لایحه نظام رسانه‌ای بوده‌اند. نظر شما درباره این طرح چیست؟ عواقب آن چه خواهد بود؟

این طرح همان لایحه‌ای است که دولت تنظیم کرده بود و متأسفانه در کی از شرایط موجود ندارد و با وضعیت فعالیت مطبوعات آشنا نیست و در پی ایجاد نوعی روزنامه‌نگاری است که مطیع فرمان دولت باشد و استقلال آن را از بین ببرد. هنوز وضعیت تصویب طرح معلوم نیست اما در صورت تصویب، سابقه بدی برای نمایندگان مجلس خواهد شد. علاوه بر این قابل پیش بینی است که این طرح در عمل به اهداف خود نرسد؛ زیرا روزنامه‌نگاری ایران در مسیری است که هر اندازه دولت بخواهد بر آن فشار وارد کند، موفق نخواهد بود. ضمن آنکه دولت و مجلس در صدد ریشه‌یابی و شناسایی مشکلات مطبوعات نیستند.

به نظر شما لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها بر اساس نیاز روزنامه‌نگاران وضع شده است؟ این لایحه تا چه میزان نیازهای اهل رسانه را برطرف خواهد کرد؟

لایحه مطبوعات و خبرگزاری‌ها که به تازگی در دولت طرح شده است، از شرایط روز و گردش اطلاعات در کشور بازمانده است و درک درستی از وضعیت گردش اطلاعات ندارد. ما تجربه قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ را داشتیم و قطعاً در این چندسال در فضای مطبوعاتی کشور با تحولات گسترده‌ای مواجه شده‌ایم؛ فعالیت‌های مطبوعاتی به دلایل سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی تغییر کرده است اما لایحه مذکور اصلاً توجهی به تغییرات انبوه و گسترده ندارد. به همین دلیل نه تنها نتوانسته مسائل تازه‌ای را ابداع کند و وضعیت مطبوعات را سامان دهد، بلکه در برخی موارد اوضاع را دشوارتر نیز کرده است. مبانی و اصول حقوق و آزادی رسانه‌ها در این لایحه رعایت نشده و در مواردی نیز نقض شده است. نیاز جامعه ایران به مطبوعات آزاد، مستقل و امن برآورده نشده است. در حقوق مطبوعات ۶ حق اساسی شامل حق آزادی انتشار، حق استمرار انتشار، حق دسترسی به اطلاعات، حق انتشار اطلاعات، حق امنیت حرفه‌ای و حق دادرسی خاص قابل شناسایی است. حق آزادی انتشار در این لایحه مغفول مانده است. یعنی رسانه باید برای انتشار از حکومت پروانه بگیرد؛ در حالی که این مسئله نقض حق آزادی انتشار است. امکان توقیف و لغو انتشار مطبوعات نیز نقض حق استمرار انتشار است. امروزه امکانات تکنولوژیکی در فضای مجازی موجب می‌شود اشخاص بتوانند



آیا الیت قانونی است؟

الیت، از منظر حقوق شهرنشینی
در گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت ترافیک هوشمند



سجاد هوشمند
فعال فرهنگی

امروزه شهرنشینی اکثر شهرهای بزرگ با معضل کمبود محل توقف وسایل نقلیه به خصوص در مناطق مرکزی شهر، مواجه هستند. مشهد نیز از این قاعده مستثنا نیست. به دلیل اهمیت این مسئله، فصل چهارم منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی مشهد به حق شهرنشینی بر امکانات و خدمات اختصاص یافته است. مطابق بند ۶ ماده واحده این منشور، شهرنشینی حق بهره‌مندی و دسترسی برابر به فضاها، زیرساخت‌ها، تأسیسات، تجهیزات، امکانات و خدمات عمومی سبز و پاک را دارند. علاوه بر این، مطابق بند ۲۲ این منشور، مدیریت شهری موظف است به منظور ارائه خدمات بهتر به شهرنشینی، افزایش بهره‌وری و حفظ منابع و همچنین حفاظت از محیط زیست، از فناوری‌های نوین و پایدار در توسعه انواع زیرساخت‌های شهری استفاده کند. مدیریت پارکینگ یکی از مؤلفه‌های اصلی مدیریت ترافیک و زیرمجموعه خدمات مورد نیاز است که باید به شهر وندان ارائه شود. مطابق بند ۲۷ منشور، اداره محلی موظف است نسبت به مناسب‌سازی محیط شهری به گونه‌ای اقدام کند تا امکان حرکت آزادانه و ایمن در شهر با وسایل شخصی فراهم باشد. لذا باید معضل نبود پارکینگ‌های غیرخیابانی - که موجب افزایش پارک حاشیه‌ای، کاهش عرض خیابان و به طور کلی اختلال در سیستم ترافیک می‌شود - به گونه‌ای جبران شود. به همین دلیل اجرای طرح‌هایی برای پارکینگ حاشیه‌ای در معابر از اهمیت خاصی برخوردار است. پیش‌بینی فضای مناسب پارکینگ برای خودروها به‌ویژه در مناطق پرترافیک و مرکزی شهر علاوه بر صرفه‌جویی در زمان تلف‌شده برای جست‌وجوی فضای پارک، سبب صرفه‌جویی در مصرف سوخت، کاهش استهلاک وسایل نقلیه و آثار نامطلوب روانی و همچنین، کاهش حجم خودروهای سرگردان در جست‌وجوی فضای پارک و حتی کاهش احتمال تصادف می‌شود زیرا به واسطه ورود و خروج‌های متوالی مانورهای وسایل نقلیه برای پارک، احتمال تصادف و اختلال در ترافیک بیشتر می‌شود. سطوح مختلف امکانات پارکینگ می‌تواند بر کارایی ترافیک و کیفیت زندگی شهری شهرنشینی اثرگذار باشد. به همین منظور و به دلیل اهمیت مدیریت پارکینگ به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها در دست مدیریت شهری، گفت‌وگویی با مهندس محمدهدی اسدی، مدیرعامل شرکت ترافیک هوشمند الیت، صورت گرفته که مشروح آن در ادامه آمده است.

افزایش توقف‌های دوبله، کاهش عرض معابر و به تبع آن ترافیک سنگین بود که این مسئله در تضاد با منشور حقوق شهرنشینی است. پرداخت هزینه در معابر توسط شهرنشینی، امری قانونی است که قانون‌گذار برای کاهش مدت زمان توقف خودروها و سوق دادن شهروندان به سمت استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی وضع کرده است. البته یادآور می‌شوم که دریافت وجه نقد از تیرماه سال ۱۳۹۷ در معابر شهر مشهد از سوی پارکبانان شرکت الیت ممنوع اعلام شده و مردم می‌توانند از دستگاه‌های کارت‌خوان و خدمات غیرحضوری پرداخت هزینه پارک استفاده کنند.

آیا با اجرای الیت، میزان استفاده از حمل‌ونقل عمومی و استفاده از خودرو شخصی تغییری داشته است؟ اجرای این طرح سبب روی آوردن شهرنشینی به ناوگان حمل‌ونقل عمومی شده است یا خیر؟

بله، پیش از شروع اجرای مدیریت پارک حاشیه‌ای الیت در سال ۱۳۸۹، میزان توقف خودروها کمتر از نیم ساعت، ۲۵ درصد بوده است که اکنون پس از گذشت ۹ سال از شروع طرح، به ۷۱ درصد رسیده است. این موضوع بیانگر آن است که استفاده از خودرو شخصی کاهش یافته است.

شرکت ترافیک هوشمند الیت به عنوان شرکتی پیشتاز در عرصه بهره‌برداری هوشمند از پارک‌های حاشیه‌ای نه تنها در مشهد بلکه به عنوان نماینده شهرداری مشهد، مدیریت هوشمند پارک‌های حاشیه‌ای همدان، قزوین، چناران، تربت‌جام و اهواز را نیز بر عهده دارد که نشان از جایگاه بسیار خوب این شرکت دارد. این مدل اجرایی در بیشتر کشورهای نیز در حال اجرا است. مدیریت پارک حاشیه‌ای در بیشتر کشورهای جهان از سوی پلیس راهور انجام می‌شود. این موضوع هم به این دلیل است که مدیریت واحد شهری شکل گرفته است و پلیس راهور زیرمجموعه شهرداری اقدام می‌کند.

اگر الیت اجرایی نمی‌شد، شهرنشینی با چه مشکلاتی در حوزه پارک خودرو مواجه می‌شدند؟ دریافت وجه با چه هدفی صورت می‌گیرد؟

با توجه به تولید و افزایش روزافزون خودروها و به تبع آن، افزایش تقاضا برای پارک خودرو در حاشیه معابر و نیز با توجه به محدود بودن فضای پارک خودرو، سازوکاری برای مدیریت زمان توقف خودروها را در حاشیه معابر دوچندان ضرور است. لذا اگر مدیریت پارک حاشیه‌ای الیت اجرایی نبود، فضای پارک معابر از سوی عده‌ای محدود برای ساعات طولانی اشغال می‌شد و نتیجه آن

از معبر خارج شود، آخرین باری که پلاک آن از سوی پارکبان ثبت شود، به منزله خروج خودرو از پارک در سامانه مرکزی تلقی می‌شود و هزینه آن «در صورت توقف بیش از ۳۰ دقیقه» متعاقباً کسر خواهد شد. ساز و کار برداشت اطلاعات در پارکینگ‌های غیرحاشیه‌ای نیز بدین صورت است که در بدو ورود خودرو به پارکینگ، کارت پارکینگ (حاوی اطلاعات پلاک خودرو و زمان ورود) به شهروند صاحب خودرو داده می‌شود که این کارت پارکینگ زمان خروج از شهروند باز ستانده شده و هزینه پارک از شارژ پلاک خودرو کسر می‌گردد.

الیت به استناد کدام قوانین مدون اجرامی شود؟
شرکت ترافیک هوشمند الیت بر اساس ماده ۱۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ اقدام به بهره‌برداری از پارک حاشیه‌ای کرده است. بر اساس قانون، انتخاب معابر تحت پوشش مدیریت پارک حاشیه‌ای از سوی شورای هماهنگی ترافیک استان (همتا) انجام شده و تعرفه هر معبر نیز با مصوبه شورای اسلامی شهر تعیین می‌شود که پس از آن به تأیید وزیر کشور خواهد رسید.

شهرنشینی کدام شهرها تاکنون از هوشمندسازی پارک حاشیه‌ای بهره برده‌اند؟

باتوجه به بند ۲۲ منشور حقوق شهرنشینی و تکلیف مدیریت شهری در حوزه توسعه زیرساخت‌ها در شهر، وظیفه اصلی و محوری شرکت ترافیک هوشمند الیت چیست؟

هر چند که شرکت ترافیک هوشمند الیت بیشتر به عنوان متولی مدیریت پارک حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای شناخته می‌شود، رسالت و وظیفه اصلی این شرکت، هوشمندسازی در حوزه حمل و نقل است و مدیریت هوشمند پارکینگ‌های حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای در راستای ایجاد عدالت در همین خصوص است. ساز و کار شرکت الیت در بهره‌برداری از پارکینگ‌های حاشیه معابر با استفاده هم‌زمان از نیروی انسانی (پارکبان)، دستگاه ثبت پلاک شامل موبایل و هندل (وسیله محاسبه و پردازش داده‌ها) است، بدین صورت که پارکبانان حاضر در معابر تحت پوشش پارک حاشیه‌ای، پس از رؤیت خودرو اقدام به برداشت و ثبت پلاک خودرو مورد نظر می‌کنند که به منزله آغاز زمان توقف و شروع نیم ساعت اول رایگان است. همکاران پارکبان به صورت مداوم در بازه‌های زمانی سی دقیقه‌ای اقدام به برداشت پلاک خودروهای پارک شده می‌کنند که زمان میان ثبت اولین و آخرین مرتبه پلاک خودرو به عنوان زمان توقف خودرو در سامانه مرکزی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه خودروی

بررسی علل توقیف مطبوعات در ۱۲ سال اخیر

به مناسبت سالروز تصویب قانون مطبوعات



ناتاز شاپوری
کارشناس حقوقی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، لایحه قانون مطبوعات در ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید. از آن زمان مطبوعات در ایران دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. روزنامه‌ها و مجلات بسیاری شکل گرفته و بنا به دلایلی برخی مطبوعات نیز توقیف شده‌اند. نوشته پیش رو تلاش کرده است با کاربست روش تحقیق کیفی، از مجرای تحلیل محتوای ۲۰ رأی مربوط به توقیف مطبوعات در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷، علت اصلی توقیف مطبوعات در ایران را بررسی کند. داده‌های این تحلیل جملگی از خبرگزاری‌های رسمی داخلی، اعم از سایت‌های خبری و روزنامه‌هایی به دست آمده است که آرای محاکم دادگستری یا دستورهای مقام‌های قضایی مبنی بر توقیف یک نشریه را بازتاب داده بودند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عناوینی چون اشاعه اکاذیب، انتشار مطالب غیراخلاقی و خلاف عفت عمومی، توهین و افتراء، انتشار مطالب خلاف موازین اسلامی یا مغایر با ارزش‌های دینی و ملی، اقدام علیه وحدت و امنیت منطقه‌ای و ملی به مثابه عناوین مجرمانه پر تکرار، تقریباً در همه این آرا قابل مشاهده است.

در این میان، عناوین مجرمانه توهین و افتراء، توهین به مسئولان نظام و توهین به مقدسات و همچنین نشر اکاذیب بیشترین فراوانی را در میان آرای بیست‌گانه مورد بررسی داشته‌اند. علاوه بر این، روزنامه‌هایی چون همشهری، جام‌جم، ایران و ... بیش از دیگر نشریات مورد اتهام واقع شده‌اند و در مقابل، دستگاه‌های دولتی، نهادهای نظامی و هیئت نظارت بر مطبوعات، در ردیف نخست شاکیان قرار داشته‌اند. پر واضح است که هر نظام سیاسی بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها بنا شده است که تخطی و عبور از آن‌ها، ضمانت اجراهای سنگینی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، در بیشتر قوانین کشورهای دنیا شاهد به رسمیت شناختن حق آزادی بیان و آزادی مطبوعات هستیم که برخی از همین کشورها نه تنها این حق را در قانون اعلام کرده بلکه تضمین نیز کرده‌اند. حال این موضوع که ارتباط بین این ارزش‌های نظام سیاسی و داشتن آزادی بیان و آزادی مطبوعات به چه شکل باید باشد تادر کنار داشتن آزادی مطبوعاتی بتوان این ارزش‌ها را حفظ کرد، مسئله‌ای شایان توجه است. شاید بتوان فراوانی عناوین مجرمانه‌ای را که موجب توقیف شماری از مطبوعات شده است، این‌گونه تحلیل کرد که ریشه قضایی ایران در حوزه جرایم مطبوعاتی با تمسک به این عناوین تفسیربردار و قابل انعطاف این امکان را برای خود فراهم

آورده است تا در اوضاع و احوالی خاص اصل آزادی بیان را تحدید کند. این در حالی است که قانون اساسی ایران به مثابه میثاقی ملی در اصل ۲۴ خود، اصل را بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب گذاشته و استثنا را محدود به اخلاف در مابین اسلام یا حقوق عمومی قرار داده است. اگرچه قانون مطبوعات ایران - که بنا بر اصل باید همسو با قانون اساسی تدوین می‌شد - بیش از آنکه رویکردی مبتنی بر آزادی بیان داشته باشد، بر پایه الگویی نوعاً محدودکننده قابل فهم است. این موضوع را می‌توان از مقایسه تنها ۳ ماده‌ای که در این قانون، به عنوان «حقوق مطبوعات» (مواد ۳ تا ۵) آن هم در مواردی با بیان قید و شروطی به رسمیت شناخته شده با ۱۵ ماده‌ای که در فصول چهارم و ششم تحت عناوین «حدود مطبوعات» و «جرایم» تدوین شده‌اند تأیید کرد. نکته حائز اهمیت، از یک سو برقراری تعادل و آشتی میان مرزهای آزادی مطبوعات در انتشار اخبار و آگاهی‌افزایی آحاد ملت و از سوی دیگر احترام به مرزهای قانونی تعیین‌شده است. نباید به بهانه پرهیز از افتراء و توهین و عناوینی دیگر، حق انتشار آزاد اخبار و نقد آزادانه را از مطبوعات سلب کرد که جامعه را به سوی استبداد پیش ببرد و نه آن چنان که در سودای آزادی بیان در برابر رفتارهای آشکارا مجرمانه و مخمل به مبانی اساسی و عمومی سکوت اختیار کرد.

بر اساس بند ۳۵ منشور، شهرنشینان موظف‌اند در ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های شهری همکاری لازم را با مدیریت شهری داشته باشند. بر این اساس عملکرد آنان را در پرداخت هزینه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مطابق بند ۵۱ منشور حقوق شهرنشینان، همه شهرنشینان موظف‌اند در چهارچوب قانون به پرداخت عوارض شهری اقدام کنند تا مدیریت شهری بتواند با کیفیت مطلوب خدمات ارائه دهد. به طور کلی آنان به وظایف خود و پرداخت هزینه‌ها اقدام کرده‌اند اما مجموع بدهی شهروندان به الیت حدود ۱۵ میلیارد تومان است.

قانون‌گذار چه ضمانت اجرایی برای بدهکاران الیت در نظر گرفته است؟ آیا شهرنشینان با داشتن بدهی، امکان استفاده از پارکینگ عمومی را دارند؟

طبق قانون چنانچه خودروی در معبری بیش از ۳۰ دقیقه توقف داشته باشد و هزینه آن را پرداخت نکند، مشمول جریمه پارک ممنوع می‌شود که از سوی پلیس راهور با کد تخلف ۲۱۴۳ و مبلغ کنونی ۲۰ هزار تومان، اعمال قانون خواهد شد. بر اساس مصوبه شورای شهر مشهد نیز هنگام مراجعه خودرو با اعتبار منفی به پارکینگ‌های غیر حاشیه، در صورتی که بدهی آن خودرو کمتر از مبلغ ۱۰ هزار تومان باشد، باید به صورت کامل و در صورتی که بدهی آن بیش از ۱۰ هزار تومان باشد، باید دست کم ۵۰ درصد آن را تسویه کند.

شهروندانی در مشهد حضور دارند که املاکشان تأیید شهرداری را دارد اما بنا به هر دلیلی خانه‌هایشان پارکینگ ندارد. آیا قانون راهکاری برای این شهروندان در نظر گرفته است؟

در حال مطالعه و ارائه لایحه‌ای تخفیف برای این شهروندان در پارک حاشیه‌ای هستیم که امیدواریم تا چند ماه دیگر نهایی شود.

مطابق بند ۵۰ منشور حقوق شهرنشینان، مدیریت شهری موظف است در قبال دریافت‌های مالی از شهرنشینان، اطلاعات را به صورت شفاف و کامل در دسترس عموم قرار دهد. بر این اساس، تاکنون وجوه دریافتی از الیت در چه اموری هزینه شده است؟

هوشمندسازی پارکینگ‌های امام‌رضا، مجد و ...، اورهال پارکینگ مکانیزه باغ ملی و همچنین تعمیر و نگهداری بیش از ۵۰ پارکینگ غیر حاشیه‌ای شهر مشهد از اقدامات مثبت در این حوزه است. با توجه به پیشرفت فناوری، نرم‌افزار «همراه‌پارک» در ۲ نسخه اندروید و آی‌اواس طراحی و تولید شده در دسترس شهروندان قرار گرفته است. همچنین اکنون خدمات الیت روی نرم‌افزارهای «آپ» و «شهر من» ارائه می‌شود.

از آنجا که یکی از حقوق شهرنشینان، دسترسی به امکانات و خدمات و عدالت قضایی است، چه اقداماتی در راستای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض صورت گرفته است؟

به طور کلی می‌توان گفت هدف اصلی مدیریت پارک حاشیه‌ای ایجاد عدالت در استفاده از فضای پارک حاشیه معابر است که این مهم با اجرای طرح الیت در مشهد محقق شده است. به طور مثال، در خیابان سعدی ۹۰ فضای پارک وجود دارد که بر اساس میانگین، روزانه بیش از ۱۳۰۰ خودرو از این فضاهای پارک استفاده می‌کنند. اقدام دیگر در حوزه تحقق عدالت اجتماعی، حذف پلاک‌های وی‌آی‌پی در پارکینگ‌ها و معابر بود که بسیار هزینه‌بر بود و مخالفت برخی از مسئولان را به دنبال داشت.

شهرنشینان در صورت مشاهده تخلف یا اشتباه در حوزه محاسبه باید از چه طریقی و به چه نهادی مراجعه کنند؟

اکنون ۹ بازرس به صورت نامحسوس عملکرد پارکبان‌ها را رصد می‌کنند. با این حال، شهروندان در صورت داشتن انتقاد و درخواست، می‌توانند با سامانه تلفنی ۱۳۷ یا سامانه پیامکی ۰۳۰۰۰۳۰۰۰۰۳۰۰۰ ارتباط برقرار کنند. علاوه بر این، شهروندان می‌توانند به صورت حضوری به دفتر مرکزی امور مشترکان الیت و نیز دفاتر پیشخوان خدمات دولت مراجعه کنند.

عنوان نشریه	سال توقیف	علت توقیف تعدادی از نشریات
روزنامه شرق	۱۳۸۵	چاپ یک کاریکاتور
نشریه صدای ارومیه	۱۳۸۶	اقدام علیه وحدت ملی
شهروند امروز	۱۳۸۷	غیرواقعی جلوه دادن برخی اقدامات دولت
روزنامه اندیشه نو	۱۳۸۸	توهین به مقام رهبری
روزنامه همشهری	۱۳۸۸	ترویج بهائیت
نشریه چلچراغ	۱۳۸۹	انتشاراتی مطالب غیراخلاقی در قالب داستان و طنز
روزنامه اعتماد	۱۳۹۰	نشر اکاذیب و توهین به مسئولان نظام
روزنامه شرق	۱۳۹۱	انتشار کاریکاتور توهین آمیز علیه رزمندگان و بسیجیان دفاع مقدس
روزنامه مغرب	۱۳۹۱	چاپ یک کاریکاتور
روزنامه آسمان	۱۳۹۲	انتشار مطلب خلاف موازین اسلامی و توهین به مقدسات اسلامی
روزنامه بهار	۱۳۹۲	چاپ مقاله توهین آمیز به علی‌ابن‌ابی طالب
نشریه یالثارات الحسین	۱۳۹۲	پخش شایعات و انتشار مطالب خلاف واقع
روزنامه مردم امروز	۱۳۹۳	موهن شناخته شدن عکس صفحه اول این روزنامه
روزنامه ابتکار	۱۳۹۳	نشر اکاذیب
روزنامه قانون	۱۳۹۳	نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی - انتشار مطالب خلاف عفت عمومی
روزنامه بهار	۱۳۹۴	تبلیغ علیه نظام
مجله زنان امروز	۱۳۹۴	ترویج پدیده مغایر با ارزش‌های دینی و ملی (ازدواج سفید)
روزنامه قانون	۱۳۹۵	افتراء و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی
روزنامه کیهان	۱۳۹۶	اقدامی برخلاف سیاست‌های اصولی و بین جمهوری اسلامی ایران در مسائل و امنیت منطقه‌ای
روزنامه قانون	۱۳۹۷	برای پیشگیری از وقوع جرم



زن، گواهی نامه و موتورسیکلت!

جستاری بر رای شعبه ۳۱ دیوان عدالت اداری

رای شعبه ۳۱ دیوان عدالت اداری بر استدلال‌ها و مقدماتی بنیان نهاده شده که اگر یک‌سویه‌نگری به نفع آقایان را کنار بگذاریم (البته راندگی چه لطفی دارد که مثلا حقی برای آقایان باشد؟!)، بی‌گمان منطقی و قابل دفاع به نظر می‌رسند. از منظر اصولی، مفهوم مخالفی برای تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی وجود ندارد یا به عبارت بهتر، مفهوم مذکور حجیت ندارد و باید همسو با قاضی صادرکننده حرکت کرد. رأی به جنبه‌های اجتماعی نیز توجه دارد. از یک سو تهیه خودرو برای همه ممکن نیست و حق بر دسترسی به وسایل نقلیه ایجاب می‌کند برای بانوان نیز امکان تحصیل موتورسیکلت فراهم آید. از طرف دیگر، معاش برخی خانواده‌ها به این وسیله نقلیه با تصدی یک زن، وابسته است. حقوق نباید به جای کمک، با این بخش از زندگی اقتصادی و اجتماعی مقابله کند. به یاد داشته باشیم که بزرگی گفته است: مصالح و نیازها منطق را به دنبال خود می‌کشند!

شعبه ۳۱ دیوان می‌گوید که در قوانین ممنوعیتی برای تصدی موتورسیکلت از سوی زنان وجود ندارد، راندگی با این وسیله خاص مردان نیست و اساسا جنسیت در آن نقش ندارد. این نیز مقبول است. خلاصه هر چه می‌اندیشیم نقطه منفی و مخالفی یافت نمی‌شود که دلمان را خوش کنیم و موتورسیکلت را به تملک خویش درآوریم!

به راستی با این وصف، چرا رأی مذکور به سرعت در شبکه‌های اجتماعی، سریع‌تر از موتورسیکلت به حرکت درآمد و چرا برخی به مخالفت برخاستند یا به گونه‌ای از «غیرقطعی بودن» آن سخن به میان آوردند که مثلا دل خوش نباشید که نقض می‌شود؟! علت را باید در تقابل نیروهای اجتماعی جست‌وجو کرد. حقوق، بخشی از اجتماع است و در کنار منطق خود، برای حیات یا متروک نشدن باید با اسباب و لوازم زندگی و انتظارات عمومی سازگاری داشته باشد. مقاومت کم‌توان، محکوم به شکست است. یا نیروی اجتماعی قوی باید سست شود و فرهنگ آرامش جای جوشش را بگیرد یا سدی مستحکم از قوانین بنیان کرد که فعلا هیچ‌یک یا ممکن نیست (نیروی اجتماعی) یا وجود ندارد (وضع قانون صریح). از این رو، باید تسلیم شد و اجازه داد اجتماع برای خود تصمیم بگیرد. اینکه چه تعداد بانوان سوار شوند و اینکه چه شود اگر این‌گونه شود، کار حقوق نیست. پیشنهاد می‌شود مراجع قانونی، خود را مقابل «رأی غیرقطعی» و در واقع نیروی اجتماعی و انتظار عمومی قرار ندهند و آن را به فرهنگ عمومی محول کنند.

برگرفته از کانال تلگرامی دکتر عبدالله خدابخشی. آثار و اندیشه‌های حقوقی و قضایی

صدور حکم برای چند پرونده جنجالی

در بحث خبری با دولت آمریکا دارد، کسانی که از خود و دیگران فیلم در رابطه با کشف حجاب بگیرند و ارسال کنند، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی هستند که یک تا ۱۰ سال مجازات حبس دارد.

وی افزود: صرفا فیلم از کشف حجاب نیست بلکه اگر هر شخصی در هر زمینه‌ای فیلمی به علی‌نژاد ارسال کند که علیه نظام، مردم و جمهوری اسلامی ایران باشد، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌شود. (ایسنا)

حکم پرونده عاملان قتل علیرضا شیرمحمدعلی صادر شد

غلامحسین اسماعیلی، سخن‌گوی قوه قضائیه، در این باره اظهار کرد: در راستای اجرای دستور رئیس قوه قضائیه علاوه بر برخورد اداری و انضباطی با برخی مأموران زندان، پرونده قتل علیرضا شیرمحمدعلی به صورت ویژه در دادگستری استان تهران رسیدگی و حکم عاملان قتل صادر شد. بر این اساس، دادگاه متهم ردیف اول را به اتهام مشارکت در قتل عمد به قصاص نفس و پرداخت دیه صدمات غیرمؤثر در قتل محکوم کرد. در همین رابطه متهم ردیف دوم پرونده نیز به اتهام معاونت در قتل عمد به ۲۵ سال حبس و پرداخت دیه صدمات غیرمؤثر در قتل محکوم شد. (ایسنا)

واکنش رئیس کانون وکلا به رأی دیوان عدالت درباره گواهی نامه موتورسواری زنان

عیسی امینی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، در واکنش به رأی شعبه‌ای از دیوان عدالت اداری مبنی بر «لزوم پلیس راهور ناجا به صدور گواهی نامه راندگی موتورسیکلت برای زنان واجد صلاحیت» گفت: هرگونه تبعیض نیاز به نص صریح و آن هم نیاز به اثبات مبنای عقلی دارد والا تبعیض پسندیده نیست و تلاش برای رفع تبعیض ستودنی است.

این وکیل دادگستری افزود: آنچه مسلم است اسناد بین‌المللی و اصول کلی حاکم بر حقوق کشور ما هم بی‌توجه به جنسیت، قواعد را وضع کرده و حقوق دانان به این اصول احترام می‌گذارند. طبعاً این روند هم شامل رأی اخیر صادره از سوی دیوان عدالت می‌شود و می‌تواند پیام خوبی برای جهانیان باشد و حقوق ما را به درستی به جهان عرضه کند. (ایسنا)

نرم‌افزار «وام‌ایران» ناامن است

پلیس فتا نسبت به ناامن بودن نرم‌افزار موبایلی وام‌ایران هشدار داد و اعلام کرد که مجرمان سایبری در این شیوه با دریافت اطلاعات بانکی کاربر، مبالغی را که از جاهای دیگر کلاهبرداری کرده‌اند به حساب وی منتقل و سپس خارج می‌کنند. کلاهبرداران با این تصور که روند شناسایی خود را پیچیده تر می‌کنند و هرگز شناسایی نمی‌شوند از این شیوه استفاده و از اعتماد شهروندان سوءاستفاده کرده‌اند. (ایسنا)

ممنوعیت استفاده از حیوانات در آزمایشگاه‌ها و کلاس‌های درسی

با تلاش چندین ساله فعالان حقوق حیوانات ایران، سرانجام ممنوعیت آزمایش، زنده‌شکافی، تشریح و استفاده از جانداران حیوانات در تمامی آزمایشگاه‌ها، کلاس‌های درسی و مسابقات آزمایشگاهی مدارس کشور ابلاغ شد. (اختیار)

پس از نقض حکم اعدام در دیوان عالی کشور، متهم به تجاوز به عنف به ۵ سال حبس محکوم شد

نویسنده پنجاه و هفت ساله که ۲ بار در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به اعدام محکوم شده بود، در پی رسیدگی به پرونده‌اش در شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب به عنوان شعبه هم‌عرض، به ۵ سال حبس، ۲ سال تبعید به بشاگرد، ۷۴ ضربه شلاق و ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شد. حکم قاضی مقیسه مبنی بر اعدام این متهم یک مرتبه به دلیل نقض تحقیقات و بار دوم با استناد به قاعده درآ در دیوان عالی کشور نقض شده بود. (ایسنا)

یک تا ۱۰ سال حبس برای ارسال کنندگان فیلم و عکس برای مسیح علی‌نژاد

رئیس دادگاه انقلاب در پاسخ به این سؤال که آیا ارسال فیلم و عکس به مسیح علی‌نژاد جرم است یا خیر و چه اعمالی فیلم گرفتن از آن‌ها مجرمانه است گفت: تا جایی که من احصا کرده‌ام، بر اساس قانون، فیلم‌برداری در ۳ مورد اعم از استحکامات نظامی، حریم خصوصی افراد و همکاری با دول متخاصم جرم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین غضنفرآبادی گفت: با توجه به قراردادی که مسیح علی‌نژاد

سند ملی حقوق کودک تدوین شده است

سید علیرضا آوایی، وزیر دادگستری، از تدوین سند ملی حقوق کودک خبر داد و گفت: هر استان اقتضائات خاص خود را در مقوله کودک‌کان دارد و باید نسبت به این اقتضائات برنامه‌ریزی کرد. وزارت دادگستری به عنوان مرجع رسمی کنوانسیون حقوق کودک اقدام به تهیه سند ملی حقوق کودک کرده است و در آن برنامه‌هایی برای حفظ حقوق کودک در کشور تدوین شده است.

وی تصریح کرد: نقش استان‌ها در اجرای برنامه‌های حقوق کودک در کشور بسیار تأثیرگذار است و باید به تناسب برنامه‌ریزی شود. (ایسنا)

تخفیف مجازات سربازان فراری با اجرای طرح «بازگشت به سنگر»

رئیس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به اجرای طرح بازگشت به سنگر برای سربازان فراری، گفت: اگر سربازان فراری، خودمعراف باشند، از سوی نیروهای مسلح به آن‌ها مساعدت می‌شود.

سردار موسی کمالی در رابطه با بازگرداندن سربازان فراری به خدمت اظهار کرد: سربازانی که برای نخستین بار ترک خدمت کنند و بیش از ۶۰ روز از فرار آن‌ها نگذشته باشد، فراری محسوب نمی‌شوند و مقررات فرار برای آن‌ها جاری نیست. بهتر است تا پیش از گذشت ۶۰ روز، خود را معرفی کرده و دوباره به خدمت بازگردند. اگر فرار برای بار دوم صورت بگیرد یا بیش از ۶۰ روز ادامه پیدا کند، این دسته از سربازان، فراری محسوب می‌شوند. (ایرنا)

لغو محدودیت سفر خارجی زنان در عربستان

حکومت عربستان در اصلاحیه‌ای درباره قوانین مربوط به زنان در این کشور برای نخستین بار به زنان اجازه داد بدون نیاز به قیم مرد، گذرنامه دریافت کنند و به خارج از این کشور سفر کنند. طبق این حکم جدید حکومتی، از این پس زنانی که حداقل ۲۱ سال دارند می‌توانند برای دریافت گذرنامه اقدام کنند و برای سفر به خارج از عربستان هم نیازی به اجازه یا همراهی یک قیم مرد ندارند. (ایسنا)

مجازات‌های جایگزین حبس فرصتی دوباره برای حیات



محمد رضا
مهدوی حسینی
کارشناس حقوقی

به قول مرحوم بهمن کشاورز، معمولاً چه آن‌ها که با حقوق آشنایی و الفتی دارند و چه آنان که غیر حرفه‌ای هستند، با شنیدن کلمه مجازات، حبس و زندان را به یاد می‌آورند. این چیزی است که مرکز (نقش بسته بر ذهن) قضات و وکلان نیز هست و مردم عادی نیز معمولاً چیزی جز آن را نمی‌دانند و نمی‌پذیرند. به عبارت دیگر بزه‌دیده و کسی که از جرم متضرر شده است، حداقل زندانی شدن مجرم را طالب است. بنابراین آنچه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» مطرح شده است، هم برای اهل حقوق و قضا تاگی دارد هم برای مردم عادی.

از مهم‌ترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، می‌توان به اعمال مجازات‌های جایگزین حبس اشاره کرد که با تصویب آیین‌نامه اجرایی آن در شهریور ۱۳۹۳ روند جدی‌تری به خود گرفت. تیرماه سال ۹۲ رئیس قوه قضائیه شیوه‌نامه سامان‌دهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را ابلاغ کرد. مبنای ابلاغ این دستورالعمل، ناکارآمدی زندان به‌ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت در بازدارندگی و اصلاح بزه‌کاران بود. معمولاً بسیاری از بزه‌کاران پس از آزادی از زندان و ورود دوباره به اجتماع، طرد و از سوی دیگران کنار گذاشته می‌شوند. بسیاری از آن‌ها نیز به دلیل افزایش جمعیت زندان‌ها، با مشکلات عدیده اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در زندان‌ها مواجه می‌شوند. استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در صدد کاستن از آسیب‌های جدی زندان به افراد، خانواده‌های زندانیان و جامعه و نیز ضرورت اتخاذ تدابیری در فرایندهای مختلف قضایی اعم از مرحله قبل از وقوع جرم، رسیدگی در دادسرا و اخذ تأمین، صدور حکم به مجازات و نحوه اجرای احکام به‌ویژه توجه به مرحله اجرای مجازات حبس اشاره کرد.

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاضی تنها طبق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی سابق می‌توانست فرد را به جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن محکوم کند و تنها در مواردی خاصی، احکام ویژه صادر می‌شد. از آنجا که هیچ‌گاه ماده مذکور به رویه تبدیل نشد، با اجرای جدی قانون جدید، فضای جدیدی برای صدور احکام جایگزین حبس و کاهش جمعیت کیفری پیش روی قضات قرار گرفت.



بر اساس ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، «مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد: الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون ریال یا شلاق تعزیری. ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه». بر این اساس، در مورد مجازات‌های قانونی بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس، دادگاه مکلف به تعیین مجازات جایگزین نیست، اما این اختیار را دارد و اعمال این مجازات به نظر قاضی بستگی دارد. این اختیار در مورد جرایم غیر عمدی که مجازات آن‌ها بیش از ۲ سال حبس باشد نیز صدق می‌کند، اما در مورد سایر جرایم غیر عمدی دادگاه تکلیف به اعمال این‌گونه مجازات دارد.

یکی دیگر از مواردی که در موضوع مجازات‌های جایگزین حبس مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته این است که دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت اجرا نشدن مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، همان مجازات حبس اجرا شود.

بر اساس ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است و قضات نمی‌توانند در مورد مرتکبان این جرایم، حکم به مجازاتی به جای حبس صادر کنند.

مجازات‌هایی که به جای حبس تعیین می‌شوند عبارت‌اند از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که در تعیین آن‌ها، نوع و کیفیت ارتکاب جرم و آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم و همچنین وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال موثر است.

پرسشی که در مورد اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ایجاد می‌شود این است که آیا رضایت خاطر بزه‌دیده تأمین خواهد شد یا خیر. اگر احساس رضایت خاطر حاصل نشود ممکن است پیامدهای منفی دیگری از قبیل اجرای عدالت فردی و شخصی در پی داشته باشد. در عین حال، عده‌ای معتقدند جایگزین‌های حبس وقتی عمومیت پیدا کند و بزه‌کاران حرفه‌ای از آن مطلع شوند، ممکن است وسیله تجری و تشجیع باشد.

چند سالی است که آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات در مورد تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و سایر جنبه‌های اجرایی خدمات عمومی رایگان تصویب شده است و حکایت از ورود این قانون به مرحله اجرا دارد. در این مدت شاهد صدور احکام نوبنی بوده‌ایم. صدور حکم تدریس مجانی دانش‌آموزان بی‌ضرعت برای یک معلم، به جای اعمال مجازات حبس به دلیل بی‌احتیاطی در رانندگی، تعیین مجازات ۱۰ سال محرومیت از داشتن هر گونه سیم‌کارت برای متهم به تهیه تصاویر مستهجن و تهدید به انتشار آن، تعیین مجازات جایگزین حبس درخت‌کاری و ایجاد کمربند حفاظتی برای متهم به تصرف اراضی ملی و ... از این قبیل مجازات‌هاست. تأثیر برخی از این مجازات‌ها تا حدی است که مرتکب بزه بریدن بوته‌ها و درختچه‌های بیابانی کویر که به ارائه ۸۰ ساعت نهال‌کاری محکوم شده بود، پس از پایان دوره به دلیل رضایت پیمانکار از عملکردش استخدام شد.

اگر چه شاید مجازات‌های جایگزین حبس، از نگاه برخی هنوز نهادینه نشده، استفاده از آن از سوی قضات دادسرا و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، بیانگر تأثیر مثبت این حرکت جدید قضایی بر بزه‌کاران نوجوان جامعه است. به‌کارگیری چنین روش‌هایی علاوه بر اینکه فرصت دوباره‌ای به مجرمان برای بازگشت به زندگی و تصحیح رفتارشان می‌دهد، الگو و روش صحیح برخورد با مجرمانی که قابلیت بازگشت سریع به جامعه دارند را نیز فراهم می‌کند.

داستانی کوتاه از آنتوان چخوف

متمم روستایی نحیف ریزه‌اندازی است، سخت لاغر و استخوانی، با شلواری وصله‌دار و پیراهنی از کرباس، برابر رئیس دادگاه بخش ایستاده. صورت نترشیده و پراپله‌اش، چشم‌هاش که به زحمت از زیر ابروهای پریشان‌آویزان پیداست. ظاهری سخت عبوس و گرفته دارد. انبوه موهای درهم‌پیچیده‌اش که مدت‌زمانی است شانه به آن نخورده، حالتی عنکبوت‌وار به او می‌دهد که عبوس‌ترش می‌نماید. پاره‌پاره است.

رئیس دادگاه شروع می‌کند: «دنس گریگور یفا! بی‌جلوتر و به سؤال‌های من جواب بده. صبح روز هفتم تیرماه جاری، نگهبان راه‌آهن هنگام گشت تو را نزدیک ایستگاه ۱۴۱ در حال باز کردن مهره یکی از پیچ‌ها که ریل را به الوار محکم می‌کند دیده است. این هم آن مهره‌ها! تو را با همین مهره دستگیر می‌کند. آیا حقیقت دارد؟»

بله، دارد.

بسیار خوب، حالا بگو ببینم به چه منظوری این مهره‌ها را باز می‌کردی؟

اگر لازم نداشتم که بازش نمی‌کردم!

این مهره را برای چه کاری لازم داشتی؟

مهره؟ ما این مهره‌ها را به قلاب ماهی‌گیری و زنه می‌کنیم.

این «ما» که می‌گویی کی‌ها هستی؟

مادیر! همین مردم، یعنی دهاتی‌های کلیموفو.

خب، پس می‌خواهی بگویی این مهره را باز کردی که با آن وزنه قلاب درست کنی. هان؟

خب پس چی؟ پس می‌خواستم باهاش سه‌قاپ بازی کنم؟

می‌توانستی از یک تکه سرب یا یک فشنگ استفاده کنی یا یک میخ.

سرب که همین جور توی کوچه‌ها نریخته، برداری. باید براش پول بدهی. میخ هم که به درد این کار نمی‌خورد. باور کنید بهترین چیز همین مهره است. هم سنگین است، هم سوراخ دارد.

خودش را می‌زند به بی‌خبری! انگار دیروز به دنیا آمده یا ز ناف آسمان افتاده! آخر کله‌خرا! تو نمی‌فهمی باز کردن مهره چه عواقبی دارد؟ اگر نگهبان سر پستش نبود، چه بسا قطار از خط خارج می‌شد و مردم زیادی کشته می‌شدند. تو باعث کشتار مردم می‌شدی.

خدا نکند عالی‌جناب! کشتار مردم؟ مگر ما کافریم یا جنایت‌کار؟ گناهان ما را ببخش ای ملکه آسمان‌ها و به ما رحم کن. شما چه حرف‌هایی می‌زنی، عالی‌جناب!

پس تو خیالی می‌کنی که قطار چطور از خط خارج می‌شود؟ کافی است دو سه تا از این مهره‌ها را باز کنی تا قطار از خط خارج شود.

دنس پوز خندی می‌زند و نگاهش را با دیرباوری به رئیس دادگاه می‌دوزد: «عجب! سال‌هاست که ما اهالی این ده، مهره‌ها را باز می‌کنیم و خدا خودش حافظ جان ما بوده، آن وقت شما دارید از تصادف قطار و کشتار مردم حرف می‌زنی؟ اگر ریلی از جا کنده بودیم یا الواری جلو قطار انداخته بودیم، آن وقت ممکن بود که قطار از خط خارج شود اما... با یک مهره!

سعی کن بفهمی همین مهره‌ها ریل را به پایه‌ها می‌بندند.

ما این را می‌فهمیم قربان. برای همین، همه‌شان را باز نمی‌کنیم. چندتایی را می‌گذاریم باشد. ما گتره‌ای و بی‌فکر کاری نمی‌کنیم. ما می‌فهمیم چه کار می‌کنیم.

مقابله با تجاوز سفید

کاوه راد

وکیل پایه یک دادگستری

«تجاوز سفید» نوع ویژه‌ای از جرایم جنسی است. متجاوز و بزه‌دیده در این تجاوز، عموماً رابطه دوستانه‌ای دارند. متجاوز می‌تواند شریک عاطفی، همکار، همکلاسی، فامیل یا یک دوست مجازی باشد. تفاوت عمده تجاوز سفید با اقسام دیگر تجاوز در آن است که غالباً بزه‌دیده با میل و رغبت خود به محل وقوع تجاوز رفته است. این موضوع باعث می‌شود بسیاری از بزه‌دیدگان از هراس متهم شدن به حضور در چنین فضایی، قید شکایت را بزنند. تجاوز سفید عموماً با تصویربرداری (اعم از عکس یا فیلم) همراه است و چون متجاوز از زندگی شخصی بزه‌دیده اطلاعات دقیقی دارد، تهدید به افشای این تصاویر به جامعه هدف مشخصی (مانند همکاران، همکلاسی‌ها و دوستان نزدیک) صورت می‌گیرد که می‌تواند از نظر روانی تأثیری مخاطره‌آمیز بر بزه‌دیده داشته باشد.

راهکارهایی برای مقابله و پیگیری:

۱- اگر بناست شخصی را در مکانی غیر عمومی (خانه، دفتر شخصی، ویلا و...) ملاقات کنید، حتماً دست کم یکی از اعضای خانواده یا دوستان نزدیک خود را از زمان و مکان دیدار باخبر سازید و از او بخواهید به تناوب با شما تماس تلفنی بگیرد.
۲- در صورت وقوع تجاوز، بلافاصله محل امنی بیابید. با مطمئن‌ترین شخص زندگی خود تماس بگیرید و از او بخواهید برای ساعات‌های پس از وقوع بزه کنار شما بماند.

مدیرهنری شهرآرا: احسان رضایی
صفحه‌آرا: هادی قهرمانی
بانشکران: نعمت احمدی، عبدالصمد خرمشاهی، علی صابری، فریده غیرت، اسماعیل سلیمانی، عسکر قاسمی، رسول کوهیاب‌زاده، مرضیه محبی، کامبیز نوروزی، سیاوش هوشیار

نشانی: مشهد، میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۰۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۰۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۰۳۰۰۰۷۲۸۹

پیام‌رسان دیگر از دلایل اثبات ادعای شما در دادگستری محسوب می‌شوند. بنابراین همه مستندات و پیام‌های تهدید و اخاذی از سوی فرد متجاوز را با دقت و حساسیت جمع‌آوری و در چند نسخه کپی و نگهداری کنید.

۷- همه تحقیقات مربوط به جرایم منافی عفت به صورت کاملاً محرمانه صورت می‌گیرد. دادرسی این دسته جرایم نیز در دادگاه کیفری استان و با حضوران قضات رده‌بالای قضایی و با حفظ قید محرمانه ماندن همه اطلاعات هویتی مربوط به قربانی تجاوز صورت خواهد پذیرفت. دادگاه می‌تواند به تقاضای شما، دستور اقدامات مراقبتی ویژه از شما در طول مدت رسیدگی به بزه را صادر کند.

۸- فراموش نکنیم آنچه مرز تمایز میان آمیزش جنسی و تجاوز جنسی است مسئله «رضایت» است. بنابراین در همه مواردی که این رابطه با خشونت و فشار فیزیکی یا روانی یا حتی در شرایطی مانند مستی، خواب و بیهوشی بدون رضایت زن صورت بگیرد، از موارد تجاوز به‌عنف خواهد بود.

۹- مرتکبان تجاوز عموماً دارای ویژگی‌های شخصیتی مشترکی هستند: مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی پایین، برانگیختگی هیجانی، فرار از مسئولیت، علاقه به خشونت و بدرفتاری با حیوانات، رفتارهای پرخطر هنگام مصرف الکل و مواد مخدر، سابقه خشونت و تحقیر افراد زیر دست یا کارمندان و علاقه افراطی به تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز. تا جایی که برایتان ممکن است از کسانی که این ویژگی‌ها را دارند اجتناب کنید. /

۳- مدارک و شواهد تجاوز را از بین نبرید. حمام نروید و دندان‌های خود را مسواک نزنید. لباس‌های خود را با دقت در بیاورید و در پلاستیک تمیز در بسته‌ای نگهداری کنید. تمام جزئیات به‌ویژه زمان‌ها، مکان وقوع و جزئیات صحنه تجاوز را یادداشت کنید. تلاش کنید اسامی همه افرادی را که به نوعی از دیدار شما و متجاوز مطلع بوده‌اند به خاطر بیاورید. اگر مدت کوتاهی قبل از وقوع تجاوز در رستوران یا کافه‌ای غذا خورده‌اید، به تماشای فیلمی رفته‌اید یا از فروشگاه خرید کرده‌اید، نام و آدرس آن را در جایی بنویسید.

۴- فوراً پلیس را در جریان حادثه قرار دهید. ساعات طلایی برای مراجعه به پزشکی قانونی، ۲۴ ساعت اولیه پس از وقوع تجاوز است و بعد از گذشت این زمان، اثبات تجاوز بسیار دشوار خواهد بود. اگر گمان می‌کنید به شما داروی خواب‌آور یا مواد مخدر یا الکل داده شده است، بخواهید از شما آزمایش ادرار گرفته شود. نتایج حاصل از این آزمایش می‌تواند بر فرایند دادرسی شما بسیار مؤثر باشد.

۵- بلافاصله به بیمارستان مراجعه کنید و با در جریان گذاشتن پزشک اورژانس، از او بخواهید ضمن بررسی دقیق میزان جراحات، خطر بیماری‌های مقاربتی و حاملگی ناخواسته را در نظر بگیرد.

۶- تصویر، صوت و تمامی مدارک الکترونیک مانند پیامک، ایمیل، دایرکت اینستاگرام، تلگرام، واتس‌آپ، فیس‌بوک و هر نرم‌افزار

آشنایی با ماه‌های حرام و مبلغ دیه در این ایام

برای تغلیظ دیه، باید رفتار جانی و فوت مجنی‌علیه، هر دو در ماه حرام اتفاق بیفتد. لذا اگر جانی در غیر از ماه حرام ضربه‌ای به مقتول وارد کند و او در ماه حرام فوت کند، دیه تغلیظ نخواهد شد و بالعکس، اگر ضربه در ماه حرام واقع شود و مجنی‌علیه پس از مدتی و خارج از ماه حرام فوت کند، دیه تغلیظ نمی‌شود. برای مثال، اگر کسی در ماه رجب به واسطه تصادف رانندگی مصدوم شود و در ماه شعبان فوت کند، افزایش دیه شامل او نمی‌شود.

همین قاعده در مورد حرم مکه هم وجود دارد. هم جنایت و هم فوت مجنی‌علیه باید در محدوده حرم مکه رخ دهد تا دیه تغلیظ شود و اگر یکی از این ۲ اتفاق خارج از محدوده حرم اتفاق افتاده باشد، دیه تغلیظ نخواهد شد.

دیه یوم‌الاداست یعنی چه؟

دیه یوم‌الاداست یعنی اگر واقعه تصادف در ماه عادی رخ دهد اما فوت فرد حادثه‌دیده در ماه حرام اتفاق بیفتد، دیه او معادل دیه ماه‌های حرام خواهد بود. /

مرتب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماه‌های حرام یا در محدوده حرم مکه واقع شود، خواه جنایت عمدی خواه غیر عمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌شود.

در همین راستا باید بدانیم:

- تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضا و منافع قابل اجرا نیست، حتی اگر به قتل منتهی شود.

- دیگر مکان‌ها و زمان‌های مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست.

- در حکم تغلیظ دیه میان بالغ و غیربالغ، زن و مرد، و مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی وجود ندارد.

- سقط جنین پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است.

- تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت‌المال پرداخت‌کننده دیه باشد نیز جاری است.

- در قتل عمدی که به علت عدم امکان یا جواز قصاص، دیه پرداخت می‌شود نیز این حکم جاری است.

شرایط تغلیظ دیه

بر اساس بخشنامه رئیس وقت قوه قضائیه در خصوص نرخ دیه سال ۹۸، مبلغ دیه امسال ۲۷۰ میلیون تومان اعلام شد که در ماه‌های حرام، به مبلغ ۳۶۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه اکنون در ماه ذی‌الحجه قرار داریم، به موضوع دیه در ماه‌های حرام اشاره خواهیم کرد.

ماه‌های حرام سال کدام‌اند؟

۴ ماه ذی‌القعده، ذی‌الحجه، محرم و رجب ماه‌های حرام محسوب می‌شوند و مطابق بخشنامه رئیس قوه قضائیه، نرخ دیه در مقایسه با ماه‌های دیگر سال یک سوم افزایش می‌یابد که این موضوع تحت عنوان تغلیظ دیه بررسی می‌شود. اینکه گفته می‌شود در ماه‌های حرام میزان دیه ۲ برابر ماه‌های عادی است، باور نادرستی است که میان مردم وجود دارد.

تغلیظ دیه در قانون

مواد ۵۵ تا ۵۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تغلیظ دیه اختصاص یافته است. مطابق ماده ۵۵۵، هرگاه رفتار

پیش از تهدید دیگران به افشای اسرار خصوصی این یادداشت را مطالعه کنید!

یکم

افشای اسرار خصوصی در سراسر جهان و همچنین ایران، جرم است. تعریف اسرار خصوصی ساده نیست. قاضی دادگاه وظیفه دارد در هر پرونده بر اساس مستندات و شرایط شغلی، اجتماعی و خانوادگی طرف پرونده، تشخیص دهد که آیا اطلاعات منتشر شده جزو حریم خصوصی وی بوده است یا خیر.

با این حال، رویه قضایی و عرف حداقل‌هایی را برای تعریف حریم خصوصی پذیرفته‌اند: گفت‌وگوها، عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی، نسخه‌های پزشکی و پرونده‌های درمانی، اسرار شغلی، احکام دادگاه‌ها و مستندات مالی.

دوم

آنچه انتشار افشای اسرار دیگران را مجرمانه می‌کند، قصد منتشر کننده در وارد آوردن ضرر آبرویی، شرافتی، مالی یا شغلی به دیگری است و تعداد و دفعات انتشار و نوع مخاطبان هیچ تأثیری در ماهیت جرم ندارد.

بنابراین اگر به قصد بردن آبروی همکار/همکلاسی/مدیر خود عکس یا چت خصوصی وی را برای فقط یک نفر از همکاران/همکلاسی‌ها بفرستید، موضوع جرم اتفاق افتاده است و شما در معرض تعقیب قانون قرار خواهید گرفت.

سوم

رویه قضایی فعلی دادگاه‌ها این است که اگر عکسی قبلاً در اینستاگرام (حتی در صفحه خصوصی) منتشر شده باشد و شخصی به هر طریقی به آن دست پیدا کرده و آن را در فضای بزرگ‌تری منتشر کند، به دلیل انتشار یافتگی قبلی، مشمول جرم انتشار اسرار خصوصی نخواهد بود. بنابراین اگر فکر می‌کنید انتشار عکسی در فضای عمومی ممکن است به شما آسیب بزند، آن را هیچ‌کجا حتی در صفحه خصوصی خود منتشر نکنید.

چهارم

تهدید به افشای اسرار خصوصی، جرم مستقلی است. اینکه شما دیگری را به افشای اطلاعات شخصی او تهدید کنید، فارغ از اینکه در ازای این تهدید او را به کاری مجبور کرده یا قصد اخاذی مالی داشته باشید یا خیر، تفاوتی در وقوع جرم نمی‌کند. همین که تهدید به شما منتسب شود و برای قاضی دادگاه محرز باشد که تهدید شما واضح، معین و مؤثر بوده است، شما یک مجرم هستید.

پنجم

فضای مجازی فضایی بی‌زمان، بی‌مکان و آکنده از گمنامی است. بسیاری از قابلیت‌های اینترنت مانند گستردگی مخاطبان، این امکان را در اختیار افراد قرار می‌دهد تا حیثیت، آبرو و اعتبار دیگران را در لحظه‌ای نابود کنند. قانون برای مدیریت این فضا، ابزارهای محدودی در اختیار دارد. بنابراین همچنان مهم‌ترین راه‌حل، خودمراقبتی است. لذا عکس‌های خصوصی خود را برای هیچ‌کس ارسال نکنید و از امکان تأیید دومرحله‌ای رمز عبور برای تمام حساب‌های کاربری خود استفاده کنید. علاوه بر این، به صورت جدی از پاسخ دادن به تست‌های روان‌شناسی آنلاین که عمدتاً ابزاری برای استخراج اطلاعات شخصی و مهندسی معکوس اجتماعی آن‌ها برای کشف رمز عبور حساب‌های کاربری شما هستند اجتناب کنید. /



کاوه راد
وکیل پایه یک دادگستری